

تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان^۱

عفت صبحی^۲

محمد مسعود^۳

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

داریوش مرادی چادگانی^۴

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

کلیدواژگان: دگرگونی، مکان- زمان، انسان، تعامل، تداوم.

چکیده

تلاش انسان در رفع نیازهای زیستی و کسب امنیت به شکوفایی و نیز خودباوری او در محیط زندگی‌اش تأثیر گذاشته و دگرگونی‌های متنوعی را گاه در کالبد (از خانه سنتی تا مجتمع مسکونی)، گاه در فعالیت (از کارگاه تا کارخانه)، و گاه در کالبد و فعالیت (از بازار سنتی تا بازار مجازی) ایجاد و طبیعت دیروز را به شهر امروز تبدیل کرده است تا مکان زندگی در تعامل با او تا امروز پاینده باشد. در این مقاله هدف مطالعه و تحلیل چگونگی دگرگونی مکان در گذر زمان و تداوم آن در تعامل با انسان است. به این منظور در بازبینی متون مرتبط با چارچوب‌های تعامل انسان و مکان و به‌کارگیری روش تحلیل متون مدون، بر پایه روش‌های پژوهش تحلیل تفسیری- تاریخی و مقایسه‌ای، زمینه‌های مشترک انسان، زمان، و مکان، در سه مقیاس زمانی (۱) عمر یک انسان، (۲) زمان‌های دگرگونی اندیشه‌ها و چارچوب‌های نظری، و (۳) تاریخ مدون تمدن بشر، به‌صورت موازی بر محور زمان، سازمان‌دهی شده است. یافته‌های تحلیل‌های به‌کاررفته در این مقاله نشان می‌دهند که مکان همواره از تجربه فضایی انسان در طول زمان شکل می‌گیرد و برحسب شرایط زندگی، تنوع تجربه‌ها به

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان *واکاوی دگرگونی سیاست‌های مکان‌محور در چارچوب نامکانی برآمده از مداخلات برنامه‌ریزی شهری: نمونه موردی: فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر اصفهان* است که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) در دست تهیه است.

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان).

e.saboohi@khuisf.ac.ir

۳. نویسنده مسئول
m.masoud@au.ac.ir
4. d.moradi@au.ac.ir

۵. پرویز بابایی، مکتب‌های فلسفی: *از دوران باستان تا امروز*، ص ۵۳۴.

6. Utopia

7. responsive

8. Review Analysis Method

9. timeline



پرسش‌های تحقیق

۱. چگونه مکان در گذر زمان در تعامل با انسان تداوم یافته است؟
۲. چگونه انسان در دگرگونی و تداوم مکان در گذر زمان دخالت دارد؟

تسهیل می‌کند، حرکتی میان دو نقطهٔ عطف عقل و تجربه^۵ که از یونان باستان به یادگار مانده و تلاش برای درک فضای میانشان— از فضای ذهنی تا فضای عینی— تا پایان زندگی ادامه دارد، فضایی که، در تحول اندیشه‌ها و تجربیات، بیان‌های جدیدی یافته و در اندیشه‌های دیگر بر آن انتقاد شده است، اندیشه‌ای که در جست‌وجوی کاستی‌ها و رفع آن از فضای آرمانی خود، تعبیر مکان را به کار برده است، مکانی درخور اندیشهٔ انسانی؛ مکانی که ریشه در نقد ارسطو (دیدگاه تجربی) از فضای افلاطونی (دیدگاه عقلانی) دارد، مکانی که در ظرف درک انسانی بگنجد و پاسخ‌گوی ایدئال‌طلبی او باشد، مکانی که در عالم معنوی آرمان‌شهر^۶ خوانده می‌شود و در عالم مادی کالبد شهری می‌یابد، مکانی که وجود خود را از انسان می‌گیرد و خود موجد وجود انسان می‌شود و در این همراهی ارزشی به اندازهٔ او می‌یابد، ارزشی که همراه با درک انسان در طول زمان تحولی در تعریف و تولید مکان ایجاد کرده است. مکان‌های جدید متناسب با شرایط زندگی روزمره و اندیشه‌های جاری در آن شکل گرفته‌اند تا در همراهی با تکامل انسان مکان نیز تکامل یابد و با پاسخ‌دهی بودن^۷ به نیازهای او تداوم یابد (ت ۱).

انگیزه‌های برآمده از کاوش در تاریخ مکان، به طراحی و تدبیر پرسش‌های مقاله انجامیده است: چگونه مکان در گذر زمان در تعامل با انسان تداوم یافته است؟ چگونه انسان در دگرگونی و تداوم مکان در گذر زمان دخالت دارد؟ این مقاله بر پایهٔ یک پژوهش بنیادین استوار شده است که در آن با مطالعه و تحلیل چگونگی دگرگونی مکان در گذر زمان در چارچوب تحلیل‌های تاریخی، تفسیری، و مقایسه‌ای و بسط تداوم آن در تعامل با انسان، زمینه‌های تولید، دگرگونی، و تداوم مکان‌های انسانی ردیابی و بازنمایی و روابط علت و معلولی این دگرگونی‌ها معرفی می‌شود.

در این پژوهش روش تحقیق، از نظر زمان گردآوری، تاریخی است و در آن به مرور تفسیری مکان‌ها در تعامل با انسان پرداخته شده است؛ داده‌های قابل استفاده در این‌گونه تحلیل‌ها متون مدون و شواهد تاریخی هستند که به مدد آن‌ها به مقایسهٔ مکان‌های دگرگون شده و تداوم‌یافته با دگرگونی انسان در سه مقیاس زمانی (طول عمر انسان، مدت‌زمان دگرگونی اندیشه‌ها و تحول فلسفه شناخت، طول مدت‌زمان حیات انسان بر روی زمین و تکامل تمدن زندگی جمعی) پرداخته و زمینه‌های کیفی مشترک آن‌ها تحلیل می‌شود.

10. systematic

11. The Time Spiral

۱۲. با پیشنهاد ریاضیات جدید از سوی کارتل در سال ۱۹۱۳ صورت جدیدی برای نمایش حرکت فضا-زمان تعریف شد. گرگ برادن این مسیر را ماریچ و با اثر میدان پیچشی (میدان اسکالر یا میدان چرخشی) توصیف می‌کند، با چرخش روی خود، ذرات اطلاعات را بدون انرژی حمل می‌کنند (نک: مجتبی اعتمادی‌نیا، «زمان و مکان از منظر اوسپنسکی با تکیه بر نظرگاه ارغنون سوم»).

۱۳. در ادبیات جهان واژه‌شناسی این مفهوم در دو کلمهٔ کلیدی transition و transformation تعریف می‌شود که اساساً به مقیاس عملکردی یک تغییر بستگی دارد.

۱۴. یادداشت مرحوم دهخدا، لغتنامهٔ دهخدا

۱۵. فرهنگ نفیسی، ذیل: «دگرگونی».

۱۶. فرهنگ عمید، ذیل: «دگرگونی».

17. Transformation

18. Social Transformation

۱۹. گی روشه، تغییرات اجتماعی، ص ۲۶.

20. Change Culture

۲۱. مهدی زند و کیلی، مردم‌شناسی فرهنگی، ص ۶۵

22. Political Transformation

23. Revolution

24. Economic Transformation

تصویر ۱. تناظر یک‌به‌یک تحول و تداوم مکان، تدوین: نگارندگان.



۲. بیان رابطه انسان و زمان

از اواسط قرن نوزدهم، در فلسفه غرب چپستی زمان به مثابه مفهومی که منفک از وجود درک می‌شود، مورد تردید و سؤال قرار گرفت. تا پیش از آن بسیاری از اندیشمندان از جمله کانت^{۳۳} و هیوم^{۳۴} معتقد بودند که انسان در زمان نمی‌فهمد، بلکه با زمان می‌فهمد^{۳۵}؛ اما با اندیشه‌های فلسفی هنری برگسون^{۳۶} و رواج اندیشه آگزیستانسیالیستی^{۳۸}، زمان هويت انسانی و وجودی یافت؛ هویتی که نشان می‌داد انسان زمان را می‌فهمد و با آن زندگی می‌کند. تبدیل زمان به ساختار وجودی انسان نقطه عطفی در تاریخ تفکر بود.^{۳۹} در آغاز قرن بیستم هرمان مینکوفسکی^{۴۰} در سال ۱۹۰۸ فضا- زمان را یک پیوستگی چهاربعدی^{۴۱} معرفی کرد که سه بعد فضا را با بعد زمان ترکیب می‌کند و نتیجه گرفت هر شیء نه تنها باید طول، عرض، و ارتفاع داشته باشد؛ بلکه باید تداوم زمانی نیز داشته باشد^{۴۲}. از سوی دیگر، شیوه بودن انسان‌ها مدخلیت^{۴۳} زمان را دگرگون می‌کند. انسان تاریخی، برای فهم زمان، روایت‌های گذشته را تأویل می‌کند، به همین دلیل است که اصحاب هرمنوتیک (مانند هوسرل، هایدگر، گادامر، هابرماس) از «موقعیت زمانمند» یا «افق»^{۴۴} می‌گویند^{۴۵}؛ زیرا زمان در جهان انضمامی پنهان است و حضورش با مکان هویدا می‌شود (ت ۲)^{۴۶}.

مطالعات در مورد زمان و انسان نشان می‌دهند که زمان در دو مقیاس منجر به دگرگونی انسان می‌شود: اول دگرگونی جسمی و ذهنی در اثر گذشت زمان در طول عمر انسان که از لحظه حیات یافتن تا مرگ (زندگی دنیوی) و پس از آن (زندگی اخروی) جریان دارد. دوم دگرگونی در اثر تکامل حیات بشر در طول هزاران سال که از گذشته بوده است و تا آینده ادامه دارد. این دو مقیاس به کمک یک مقیاس زمانی واسطه که شامل هر دو می‌شود با هم مرتبط هستند: دگرگونی اندیشه و فهم که او را از زندگی حیوانی جدا و با غرق شدن در جریان شناخت‌شناسی خود و محیط پیرامون، به مراتب بالاتر انسان باشعور و کمالات سوق داد. این دگرگونی شیوه مواجه انسان با محیط عینی و ذهنی پیرامون را نیز دگرگون کرد (ت ۳).

روش پژوهش ساختاری-تاریخی است و با به‌کارگیری روش مطالعه اسنادی^۸ (بازبینی متون مرتبط) و تحلیل متن (استخراج نمونه‌های دگرگون‌شده)، داده‌های مناسب و شواهد تاریخی گردآوری و بر روی نمودار خطی زمان^۹ (ترتیبی)، به شکلی منظم و سامانمند^{۱۰} و زنجیروار به سامان می‌گردد و در انتها، با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، سیر دگرگونی مکان عینی و تجربی و ذهنی در نمودار چرخه زمان^{۱۱} نشان داده می‌شود^{۱۲}.

۱. بیان مفهوم دگرگونی^{۱۳}

در فرهنگ‌های لغت دگرگونی به معنی فرایند تغییر^{۱۴} در شکل و ظاهر، شرایط، مقدار، ساختار و یا تجزیه و بازسازمان‌دهی هر نظم از قبل تعیین‌شده است؛ فرایندی که منجر به استحاله، تبدیل، تحول^{۱۵}، تطور، تغییر، تعویض، مسخ، سرنگون، دگردیسی، و انقلاب می‌شود.^{۱۶} دگرگونی از تغییر تا تحول گاه نتیجه یک فرایند است و گاه، در چرخه فرایندش خود، بارها ماهیت عناصر را دوباره تعریف می‌کند^{۱۷} و برحسب مقیاس زمان و موضوع متغیر در دسته‌بندی‌های اجتماعی^{۱۸} (تغییر در ساخت زیربنایی نهادهای اساسی یا موقعیت‌های اجتماعی در طول یک دوره زمانی^{۱۹})، فرهنگی^{۲۰} (جریانی است که در آن در نتیجه برخورد یک فرهنگ با فرهنگ دیگری، دگرگونی در نهادها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، و روش‌های یک فرهنگ و جامعه ایجاد می‌شود^{۲۱})، سیاسی^{۲۲} (انقلاب^{۲۳})، اقتصادی^{۲۴} (تحول^{۲۵})، کالبدی^{۲۶} (دگردیسی^{۲۷}) بیان شده است^{۲۸}. فرایند بازتعریف^{۲۹} هر ماهیت در دوره‌های زمانی با تغییر در شرایط و دیدگاه‌ها^{۳۰} تعریف جدیدی می‌طلبد. دگرگونی با نیاز و خلأ ایجادشده در محیط یا وجود ماهیت آغاز می‌شود^{۳۱} و در طول زمان ادامه می‌یابد، فرایند در هر مرحله بازنگری^{۳۲} می‌شود و برای ادامه، ثبات، یا تغییر در فرایند و ماهیت را برمی‌گزیند (گزینش برحسب مجموع شرایط)؛ این فرایند گاه بر خود شرایط نیز تحمیل و گاه در شرایط حل می‌شود و فقط تاریخ^{۳۳} آن را نشان می‌دهد.

۲۵. نک: داگلاس سسی نورث، فهم فرایند تحول اقتصادی.

26. Physical Transformation
27. Metamorphosis

۲۸. نک: حمیدرضا جلالی‌پور، «گونه‌شناسی رویکردهای تغییر».

29. redefine

۳۰. محمدتقی مختاری و همکاران، «دگرگونی‌های ساختاری شهر سنندج با تکیه بر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی»، ص ۶۵

۳۱. مازیار آصفی و الناز ایمانی، «ریشه‌یابی و شناخت عوامل دگرگون‌ساز روح معماری گذشته ایران در گذر زمان، اصالت گذشته، تازگی اکنون»، ص ۶۸ و ۷۲.

32. review

۳۳. نک: مسعود صفایی‌پور و جعفر سعیدی، «تحلیلی تاریخی بر عناصر و ساختار کالبدی فضایی شهرهای ایرانی-اسلامی».

۳۴. Immanuel Kant (1724- 1804) زمان را خصوصیت ادراکی انسان می‌داند (اسماعیل سعادت‌ی خمسه، «خودادراکی استعلایی و خودشناسی»، ص ۱۵۰).

۳۵. David Hume (۱۷۱۱-۱۷۷۶) راه نوینی را پیش روی اندیشمندان چون کانت گشود تا زمان را نحوه وجود سوژه متناهی محسوب کنند (عبدالرضا صفری حلاوی، «من واقعی کانت»، ص ۱۸۶).

۳۶. فهم حرکت از زمانندی به بی‌زمانی نیست؛ بلکه زمانی کردن آن چیزی است که در پیشگاه انسان است.

37. Henri Bergson (1859- 1941)

38. existentialism

۳. بیان رابطه انسان و محیط عینی (فضا، مکان)

مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که انسان در جریان تکامل خود از ابتدای خلقت تاکنون، با اتخاذ تدابیری در الهام از طبیعت^{۴۷} یا توسل به نیروهای ماورایی^{۴۸} و تصمیم‌گیری بر اساس عقل^{۴۹} و احساس^{۵۰} و یا تمتع از تجربه دیگران^{۵۱} در مواجهه با تغییر و دگرگونی محیط به تولید فضاهایی همت گمارده که ارزش مکانی یافته‌اند، مکان‌هایی که در فرایند معنادار کردن فضا و تصور آرمان شهرها نمود یافته‌اند^{۵۲} و همواره تلاش برای مطالعه و شناخت نیروهای دگرگون‌کننده آن‌ها، با هدف غلبه بر شرایط موجود، پیش‌بینی و کنترل وقوع آن‌ها و یا بازتعریف و برنامه‌پذیر کردن مورد توجه بوده‌اند، تا جایی که تعادل برقرار، شرایط زیست^{۵۳} تأمین (دهه ۱۹۸۰)، و حتی سودآور^{۵۴} می‌شده است^{۵۵} (ت ۴).

۴. بیان رابطه انسان و محیط ذهنی (مکان- زمان)

نقطه عطف درک مفاهیم زمان و مکان را می‌توان در تلاش انسان برای شناخت ارتباط دو مفهوم دانست (ت ۵)، آنجا که زمان به واسطه مفاهیم تغییر و سکون^{۵۶} (ارسطو)، تجربه (لاک)^{۵۷}، حرکت (نیوتن)^{۵۸}، شهود (کانت)^{۵۹} و زمان هندسی (برگسون)^{۶۰} با مکان مرتبط شده و نهایت این تلاش در

عمیق‌ترین آرای الکساندر در کتاب *فضا به زمان و خداوند*— شامل سلسله سخنرانی‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ او— و بررسی مسئله «چیستی زمان و مکان و ارتباط آنان» دیده می‌شود که با پیوند زمان و مکان، «زمان» را ذهن فضا و «فضا» را جسد زمان و انسان را تنها ادراک‌کننده آن، در جهانی مملو از فضاهای زمانمند و زمان‌های فضامند متمایل به دگرگونی^{۶۱} در شکل یا عرض^{۶۲} خود قرار می‌دهد که در آن اختیار دارد.

دگرگونی همراه با تحول دائمی درک بشر از زمان که درک فضا و مکان را هم دگرگون و مرزهای فضا- زمان را به طور پیوسته جابه‌جا می‌کند، تا آنجا که مسئله حال مورد توجه فلسفه یونان را به آغاز و پایان زمان، تاریخ و ارتباط زمان و ابدیت در فلسفه مسیحی تبدیل کرده است، دگرگونی که در اندیشه فلاسفه از جست‌وجوی چگونگی تجرید ایده زمان از تجربه در اندیشه جان لاک، که زمان را نوعی تغییر کمیت‌دار و حرکتی همراه با ایده تداوم در همراهی ایده توالی و با ایجاد دگرگونی می‌بیند، تا تفکرات لاینیتس^{۶۳} که زمان را ترتیب در توالی و مکان را ترتیب وجود هم‌زمانی می‌داند، درحالی‌که دکارت^{۶۴} زمان و مکان را محض می‌داند^{۶۵}، گیدنز ارتباط زمان و مکان در جوامع ماقبل مدرن را تنگاتنگ و درهم‌تنیده می‌داند، تا جایی که همه روش‌های شناخته‌شده ارزیابی یا محاسبه زمان (مانند حرکت چرخ‌های خورشید، عقربه‌های ساعت، نوسان بلورهای

۳۹. نمی‌توان چیزی را بیرون از زمان فهمید. انسان در افق زمان می‌فهمد و بدون زمان هیچ نمی‌فهمد. زمان و زمانمندی با هستی و فهم او قرین هستند.

40. Hermann Minkowski (1864-1909)

41. Minkowski Space

نک: ۴۲

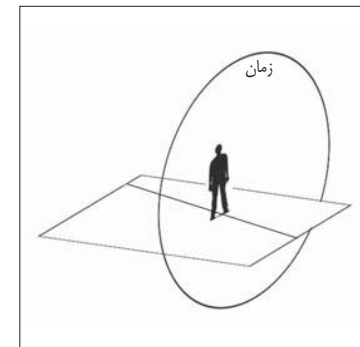
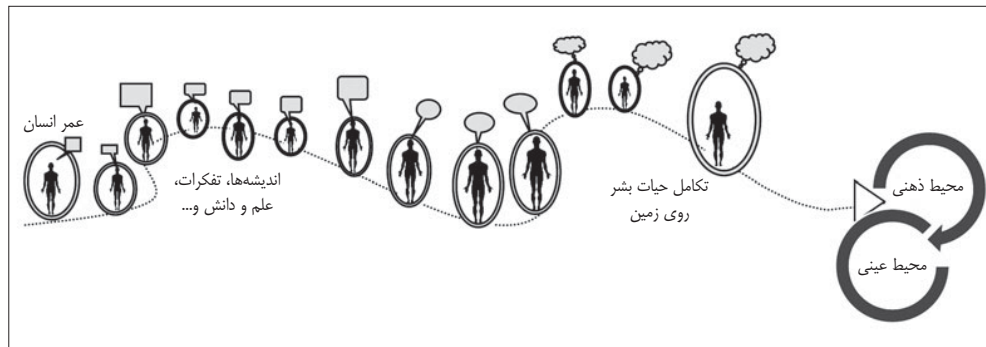
Hermann Minkowski, *Space and Time Minkowski's Papers on Relativity*.

43. efficacy

44. horizon

کاربرد اصطلاح افق در واقع تلاشی است برای توصیف مفید بودن تفسیر به یک زمینه و تعلق آن به یک وضعیت خاص.

تصویر ۲ (راست). انسان در دایره زمان، طرح: نگارندگان. تصویر ۳ (چپ). سیر دگرگونی جسمی (در طول عمر انسان)، ذهنی (تکامل اندیشه و فلسفه)، تمدنی (تکامل حیات) انسان در گذر زمان، طرح: نگارندگان.



۴۵. نک: ریچارد پالمر، علم هرمنوتیک.

۴۶. سینا جهان‌دیده، «زمان، هویت و روایت: چگونگی فهم زمان در روایت‌های تخیلی غرب و ایران»، ص ۱۲۳.

47. Naturalism
48. Supernaturalism
49. Rationalism
50. Sensationalism
51. Empiricism

۵۲. حمیدرضا شعیری، «نوع‌شناسی مکان و نقش آن در تولید و تهدید معنا»، ص ۹۷-۱۱۴.

تصویر ۴ (راست). انسان در دایره مکان، طرح: نگارندگان.

تصویر ۵ (میان). انسان در دایره زمان و مکان، طرح: نگارندگان.

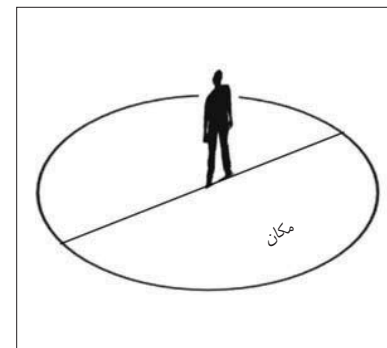
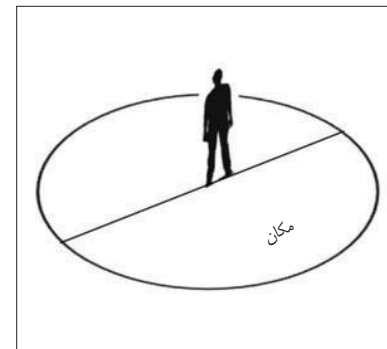
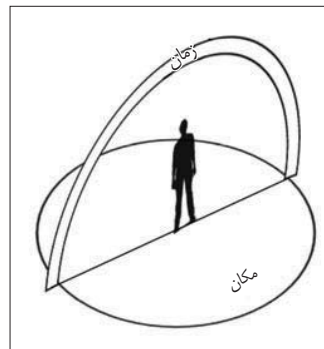
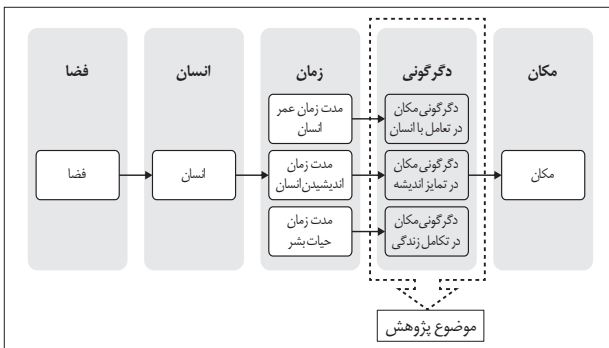
تصویر ۶ (چپ). معرفی قلمروهای زمانی تدبیر شده برای تحلیل دگرگونی مکان (چارچوب کلی پژوهش)، طرح و تدوین: نگارندگان.

پیش از هرگونه تعقلی در محدوده‌ای بدنمند، در سطح حسی و بواسطهٔ احساس، جسمیت، و بدنمندی در تماس با جهان قرار می‌گیرد. سوژه، در مواجههٔ اولیه با جهان، امور مادی را برای بهره‌مندی می‌یابد و «نیاز» بدنمندی هستند را با دیگری مادی مرتبط می‌کند، به گونه‌ای که قابل تقلیل به هیچ نوع اندیشیدنی نیست.^{۷۰} ارتباطی که برحسب توانایی‌شان، دارای مراتبی می‌شود و زمانی ارزش قابل توجهی می‌یابد که سوژه را در جایگاه عامل^{۷۱} به کمک اندیشه، تعقل، اراده، و رفتار با محیط پیوند می‌دهد^{۷۲}، پیوندی که با شکل‌گیری محیط محتوامند^{۷۳} (اطلاعات دارای ارزش و قابل ادراک انسان) و حضور سوژه (انسان) در آن^{۷۴} ظاهر می‌شود، حضور سوژه بدنمندی که بر اساس تجربه و مجاورت بدنی مقدم بر تفکر، با جهان مواجه می‌شود^{۷۵}، گاه اولین تجربهٔ انسان از فضا را به دوران جنینی منتسب می‌دانند، زمانی که از هفته‌های بیست و هشتم به بعد می‌تواند بشنود و با حرکات جزئی بدن خود نسبت به آن واکنش نشان دهد^{۷۶} و گاه آن راه، پس از تولد، در آغوش مادر می‌داند، فضایی که، به علت برقراری ارتباط حسی^{۷۷}، به مکان امن و آرامش‌بخش برای او تبدیل می‌شود^{۷۸} (نظریهٔ رشد روانی-اجتماعی اریکسون^{۷۹})؛ لکن همهٔ دانشمندان هم‌نظر تداوم این تجربه را زمانی می‌دانند که نوزاد با چشمان جست‌وجوگر خود^{۸۰} همهٔ محرک‌های محیط را می‌کاود^{۸۱} (نظریهٔ رشد مرحله‌ای ژان پیاژه^{۸۲}) و عناصر تکراری آن را به

کوارتز، و غیره) شامل حرکت در مکان است.^{۶۶} هنری برگسون زمان را به مکان تصویر و تداوم و توالی را معنایی هندسی می‌بخشد، تداومی که بدون توالی حالت گذر زمان را از دست می‌دهد و به یک حال بدون تغییر تبدیل می‌شود، تداومی^{۶۷} که با کمک حرکت اندازه‌گیری و هنگام توالی حالات خودآگاه ما در اثر امتناع هویت از جداسازی حالت جاری خود از حالات گذشته مفهوم‌سازی می‌شود. تداوم به طور مجرد تصورناپذیر است و تنها می‌تواند برای موجود زنده معنی داشته باشد که با ثبت تلاش خود در غلبه بر دگرگونی، مکان زمان‌ها را تولید کند. بنا بر این زمان استعاره‌ای است که خود را با گذار، تکرار، و مکان نشان می‌دهد و انسان تنها موجودی است که با این استعاره هم استمرار می‌یابد.^{۶۸}

مطالعهٔ سیر دگرگونی‌ها و تکامل مفهوم مکانی در چارچوب انسان-زمان، در سه قلمرو زمانی دگرگونی مفهوم مکان در تعامل با ۱) سیر تکامل انسان، ۲) سیر تکامل اندیشه‌ها، و ۳) سیر تکامل تمدن بشری مطالعه شده است (ت ۶).

نخست- تحلیل دگرگونی مفهوم مکان در تعامل با سیر تکامل یک انسان (رشد بدنمند^{۶۹}): ماهیت جهان ممکنات بر تعامل و ارتباط استوار است، از نظر لویناس ارتباط سوژه با جهان و اشیا (دریافت) پیش از اینکه امری شناختی باشد، مواجهه‌ای حسی است. او



۵۳. نک:

Harm Kaal, "A Conceptual / history of Livability City".
54. Profitable Place

۵۵. نک:

Y. Laberge, "Review: Theories of Sustainable Development".

۵۶. Aristotle (384-322 B.C.)

به دنبال شناخت طبیعت زمان و خصوصیات آن، به ترکیبی از مفاهیم تغییر و سکون اشاره می‌کند (عزیزالله افشار کرمانی و فاطمه بابامرادی، «زمان و مکان در اندیشهٔ ارسطو و سهروردی»، ص ۴۲).

۵۷. John Locke (1623-1704)

در جستجوی چگونگی تجربهٔ ایدهٔ زمان از تجربه، زمان را نوعی تغییر کمیت‌دار و حرکتی همراه با ایدهٔ تداوم می‌بیند که در همراهی ایدهٔ توالی و با ایجاد دگرگونی معرفی می‌شود (بابایی، همان، ص ۴۲۴-۴۵۴).

۵۸. Isaac Newton (۱۶۴۲-۱۷۲۷)

خود را غیر از عوامی می‌دانست که کمیت‌های زمان، حرکت، و مکان را نسبت به اشیا ملموس تعریف می‌کنند (نک: آیزاک نیوتن، اصول ریاضی فلسفهٔ طبیعی). لاینیتس مکان را ترتیب وجود هم‌زمان می‌داند، درحالی که زمان ترتیب در توالی است. پس مکان و زمان انواعی از ترتیب بالقوه هستند (نک: محمدجواد صافیان و عبدالله امینی، «مفاهیم "زمان" و "مکان" در فلسفهٔ لاینیتس»).

۵۹. کانت ادعا می‌کرد که زمان نوعی شهود است، زمان خصوصیت اشیا و رویدادها نیست؛ بلکه خصوصیات ابزار ادراکی ما است (سعادت‌ی خمسه، همان).

حافظه می‌سپارد، حافظه‌ای که، با سنجش عناصر آشنا از ناآشنا^{۸۳}، دگرگونی محیط را نشان می‌دهد.^{۸۴} طبق نظرات پیازه نوزاد تا ۴ ماهگی نمی‌تواند مکان‌ها را تمیز دهد؛ اما به نظر می‌رسد که بسیاری از نوزادان خیلی زودتر نسبت به فضا و مکان آشنا واکنش نشان می‌دهند.^{۸۵} با گذشت زمان و افزایش حرکت نوزاد، آشنایی او با فضا بیشتر می‌شود و مکان را با حضور نزدیکان به‌خوبی درک می‌کند.^{۸۶} این واکنش با تولید تنوعی از محتوای محیط (برحسب ماهیت و اثرگذاری شامل محتوای ظاهری (بو و رایحه (قوی‌ترین محتوا)، رنگ، شکل، بافت، صدا، دما، رطوبت، و غیره)، کارکردی و معنایی، فرهنگی و اجتماعی، کمی و کیفی، زیباشناختی و سمانتیک (خبری)، فاصلهٔ دور و نزدیک، محسوس و نامحسوس، و غیره) در ثبات و بی‌حرکتی، حرکت و جابه‌جایی یا تعلیق، سیستم بسته و باز، در پیوستگی و پیونددهندگی فرهنگی، زمانی، زبانی، فیزیکی یا گسستگی، در هیاهو و صدا یا سکوت و آرامش، در کارکرد فضا یا خاطره و تداعی‌های جمعی آن (فضای زمانمند) ظاهر و یا تا زمان آماده شدن شرایط محیط برای پذیرفتن آن پنهان و نهفته می‌ماند^{۸۷}؛ «محتوایی» که در خوانش گیرنده‌های انسانی (حواس) و در ارتباط با محتوای نشانده‌ای ارزش پیام^{۸۸} و در بداعت یا ارتباط با محتوای گذشته (شاکله‌سازی^{۸۹}) ارزش کیفی می‌یابد، می‌تواند در فضا و زمان حرکت کند و برحسب سرعت تأثیرگذاری، فعال (در لحظه) و غیر فعال (در گذر زمان) باشد؛ با راه افتادن^{۹۰} کودک امکان تجربه^{۹۱}ی فضاهای بیشتر را می‌یابد^{۹۲}، تجربه‌هایی با همراهی دیگران تا حدود ۱۸ ماهگی که می‌تواند برای خود جایگاه تعیین کند.^{۹۳} تمیز فضای درون خانه (سرپناه) از بیرون^{۹۴}، هویت جدیدی برای کودک می‌آفریند^{۹۵} و در بازی‌ها نمود می‌یابد^{۹۶}. به‌تدریج مکان برمی‌گزیند^{۹۷} و قلمرویی را تجربه می‌کند^{۹۸}، تجربه‌ای که در نمایش فرم و کالبد-مبین همهٔ ویژگی‌های ظاهری محیط با تداوم در کیفیت بصری-کارکرد و فعالیت‌های جاری-با تداوم در سرزندگی و شورونشاط جاری در فضا- و همهٔ کیفیت‌های

معرف معنی^{۹۹} در مطالعات محیطی شکل می‌گیرد، پس از ایجاد خلأ شناختی (کنجکاوی) در ذهن انسان و انگیزش، به کمک ابزار بیان تفکر حسی (حواس) دریافت، گزینش، و پس از آزمون و خطا (یادگیری) ادراک^{۱۰۰} می‌شود و پیام‌های آشنا^{۱۰۱} (تجربه در زمان گذشته) پاسخ^{۱۰۲} دریافت می‌کنند^{۱۰۳}، پاسخی که در یک رویداد ادراکی^{۱۰۴}، با تولید معنای محیط^{۱۰۵}، به فضا و مکان شکل می‌دهد. ابهام در شناخت فضا آن را انتزاعی می‌کند^{۱۰۶} و به آن کارکرد انفضالی می‌دهد. فضای تولیدشده می‌تواند سیال و متحرک (مادی، معنوی، یا فرهنگی و فضاهای مجازی) یا ثابت و ساکن (استعمالی، نمادین-زیباشناختی، زیست‌محیطی و فنی-تجسمی)^{۱۰۷} باشد. فضا و مکان، با وابستگی به حضور انسان (حضور مجازی یا محقق)، همواره یک رابطهٔ نشانگی دوسویه شکل می‌دهند؛ جنس مکان اتصالی است و سوژه بر آن مسلط است، مکان به سبب تعامل و آمیختگی با انسان معنادار می‌شود، انسان به مکان معنا می‌دهد و با مکان معنا می‌یابد.^{۱۰۸} معنایی که در سیر تکامل انسان از معنای آئی و ابتدایی تا نشانه و نماد^{۱۰۹}، مقام مکان را از کالبد تا خاطره جمعی^{۱۱۰} ارتقا می‌دهد.

از این زمان کودک باید به فضاهای دیگری^{۱۱۱} هویت دهد^{۱۱۲} و از آن‌ها هویت بگیرد^{۱۱۳}. باید تولد مکان^{۱۱۴} را تجربه کند^{۱۱۵}، تجربه‌ای که در تعامل با دیگران^{۱۱۶} به تداوم مکان^{۱۱۷} منجر می‌شود. اگرچه ممکن است کودک تا زمان آغاز آموزش رسمی فضاهای زیادی را تجربه کند، مهد کودک، پیش‌دبستانی و مدرسه نقطهٔ عطف تجربهٔ فضایی با حضور دیگران^{۱۱۸} است. تنوع عملکردی فضاهای بیرون و تکامل روابط اجتماعی کودک^{۱۱۹} زمینهٔ حضور در فضاهای عمومی را فراهم می‌کند، فضاهایی که، در پاسخ به نیازهای جدید دوران نوجوانی، الصاق هویت مکانی^{۱۲۰} را در ذهن شکل می‌دهد. تغییر جایگاه و نقش اجتماعی و تمایل به استقلال با ازدواج در جابه‌جایی خانه^{۱۲۱} نمود می‌یابد^{۱۲۲}، نمودی که با بازخوانی^{۱۲۳} تجربهٔ اول در ذهن^{۱۲۴} (و حتی یادآوری خاطره‌ها^{۱۲۵}) حس دگرگونی تولید می‌کند.^{۱۲۶}

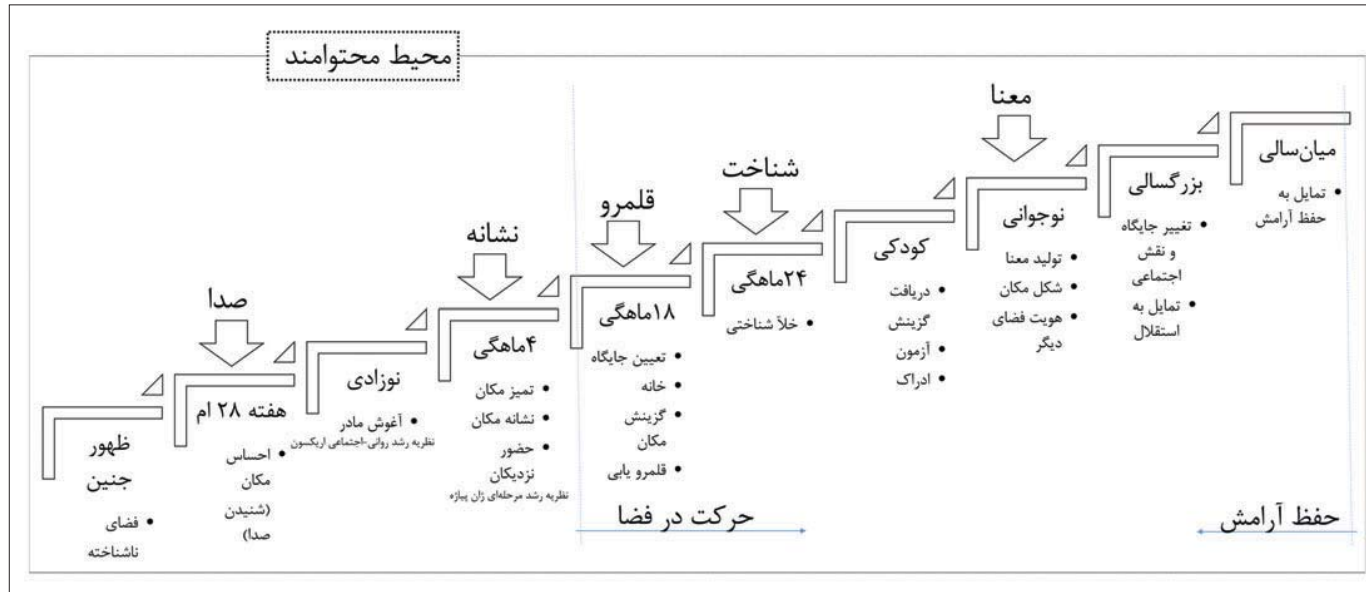
۶۰ برسوسن با پذیرفتن اینکه زمان کلید درک حقیقت است، معتقد بود با تصویر زمان در مکان به تداوم و توالی معنایی هندسی بخشیده می‌شود (حسین رستمی جلیلیان، «بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های تطبیق تفسیر زمان در اندیشه برسوسن و ملاصدرا»، ص ۱۰۶-۱۰۹).

۶۱ فلسفه هراکلیتوس این بود که هر چیز تمایل دارد که دگرگون شود (عبدالرحمن عالم‌تاریخ فلسفه سیاسی غرب از آغاز تا پایان سده‌های میانه، ص ۳۴).

تصویر ۷. معرفی دگرگونی مفهوم مکان در تعامل با سیر تکامل رشد یک انسان، طرح و تدوین: نگارندگان.

دوم- تحلیل دگرگونی مفهوم مکان در تعامل با سیر تکامل اندیشه‌ها: نخستین تلاش انسان برای شناخت دنیای پیرامون خود، در پاسخ منابع دینی و تصور اسطوره‌ها^{۱۲۰} به واژه خائوس^{۱۲۱} (به معنای فضا، فضای تهی و گشاده^{۱۲۲}) بازمی‌گردد، آنجایی که به دنبال یافتن فضا یا مکان زمین بودند،^{۱۲۳} درحالی که با ظهور فلسفه در یونان باستان، اندیشیدن درباره فضا در دو مسیر ممکن گشت^{۱۲۴}: نخستین مسیر با راهنمایی افلاطون، اگرچه مستقیماً از فضا و مکان سخنی نگفته^{۱۲۵}، اما ایده‌ها را فرا آسمانی و فراتر از زمان و مکان و محسوسات را وابسته به آن می‌داند^{۱۲۶}، مکانی که بُعد جوهری مجرد (کورا که همیشگی و فناپذیر است^{۱۲۷}) و مساوی با حجم جهان است، جهان مادی که ریشه در عالم مثل یا همان جهان ایده‌ها دارد. دومین مسیر با هدایت شاگرد او ارسطو که بسیاری از ایده‌ها را محصول انعکاس واقعیت در ذهن و عقل انسان می‌دید (توجه به تجربه حسی در معرفت و شناخت^{۱۲۸})، فضا را متعلق به کمیت و مکان را سطح داخلی مماس با سطح خارجی

اگرچه ممکن است بارها خانه جابه‌جا شود، اما این حس خیلی ضعیف‌تر^{۱۲۷} تجربه می‌شود.^{۱۲۸} درحالی که تولید مکان‌های ارزشمند (فضا- مکان‌های معنوی و قدسی، تاریخی، فرهنگی، نمادین) همراه با شکل‌گیری معانی متعالی^{۱۲۹} از فضا، فرصت ظهور فعالیت‌های دیگر (سفر، برگزاری رویدادهای فرهنگی جمعی، تجربه اقامت اشتراکی) را فراهم می‌کند، تغییر مقیاس عملکردی فضا (مکان‌های جدید مانند خانه به هتل، کارگاه به کارخانه، بازار به فروشگاه زنجیره‌ای) و تخصصی شدن خدمات داده‌شده به ایجاد خرد- معنای تمیزدهنده (معانی نشانه‌ای) منجر می‌شود، معانی جدیدی که امکان تعامل با مکان‌های نو را فراهم می‌کند. در دوره میان‌سالی با تمایل شدید به حفظ آرامش، دگرگونی مکان به شدت کاهش می‌یابد. آخرین تجربیات مکان عینی با مرگ پایان می‌یابد و مکان دیگری شکل می‌گیرد که به دلیل نبود امکان بازگویی تجربه درگذشتگان، برحسب آموزه‌های دینی تصویری از آن ساخته شده است (ت ۷).



۶۲ افلاطون می‌گفت که در هر چیز دو جزء شکل یا عرض و ذات یا جوهر وجود دارد. جوهر مطلق ابدی و تغییرناپذیر است؛ اما عرض دستخوش تحولات است و با زمان و مکان دست‌به‌گریبان است (نک: محمد رشاد، فلسفه از آغاز تاریخ، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۲۷).

63. Gottfried Wilhelm Leibniz (1646-1716)

۶۴ نک: سیدمحمداسماعیل سیدهاشمی، «زمان و مکان در منظومه معرفت‌شناختی کانت»، ص ۱۰۶-۱۱۷.

۶۵ از نظر دکارت تصورات مربوط به مکان، زمان، و حرکت نمونه‌های بارزی از شناخت‌های فطری هستند (ی آر هرگنهان و میتو اچ السون، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ص ۶۶).

۶۶ آنتونی گیدنز، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ص ۲۵۳.

۶۷ از دیدگاه برگسون دو مفهوم‌سازی از زمان متصور است. یکی تداوم است که هنگام توالی حالات خودآگاه ما در اثر امتناع هویت از جداسازی حالت جاری خود از حالات گذشته مفهوم‌سازی می‌شود. مفهوم‌سازی دیگر وقتی شکل می‌گیرد که حالات خودآگاهمان را به طور موازی در نظر می‌گیریم؛ یعنی زمان را به مکان تصویر می‌کنیم و تداوم و توالی را معنایی هندسی می‌بخشیم (مهدی عباسزاده، «شهود و زمان: مقایسه آرای برگسون و صدرالمتألهین»، ص ۵۲-۵۶).

۶۸ جهان‌نیده، همان، ص ۱۲۱.

جسم می‌دانست^{۱۳۹} و اوست که اولین نظریه مکان^{۱۴۰} را مطرح کرد. سال‌ها بعد لوکرتیوس (۹۹-۵۵۵ ق.م) در توصیف ذرات نامرئی ماده^{۱۴۱}، از اصطلاح مکان و در توصیف تحول اشیا از اصطلاح فضا نام برده است، فضا به معنی جای خالی میان جهان‌ها^{۱۴۲}. در سال‌های آغاز مسیحیت، مفهوم دنیای دیگر، مکانی تعریف‌شده در آسمان‌ها تصور می‌شد^{۱۴۳}، همچنین فلوطین (۲۰۳-۲۷۰ م)^{۱۴۴} با تصور زمین به مثابه مرکز هستی، عالم کائنات را به دو بخش عالم بالا و عالم پایین تقسیم‌شده می‌دانستند^{۱۴۵} (تقسیم فضا به خردمکان‌ها). در سده چهارم میلادی آگوستینوس قدیس^{۱۴۶} (۳۵۲-۴۳۰ م) با نگارش کتاب شهر خدا^{۱۴۷}، شهر زمین را متعلق به طاغوت دانست.^{۱۴۸} در اواخر قرون وسطی بعضی از نویسندگان از فضا چیزی شبیه به یک ظرف یا همچون مترادفی برای معنای خاصی از جایگاه^{۱۴۹} یا مکان استفاده می‌کردند. در دوره رنسانس، با اختراع دستگاه دوربین و تلسکوپ، امکان مشاهده و کنکاش در فضاهایی فراهم شد که امکان تجربه مستقیم آن‌ها نبود، در علم فیزیک با مطالعه نجوم از سوی گالیله^{۱۵۰} و در علم ریاضی با تصویر دستگاه مختصات^{۱۵۱} از سوی دکارت^{۱۵۲}، نمایش فضا تا بی‌نهایت و با تعریف مختصات نقطه^{۱۵۳}، مکان مشخص و تعریف‌شده نشان داده شد^{۱۵۴} تا جایی که تصورات مربوط به مکان، زمان، و حرکت نمونه‌های بارزی از شناخت‌های فطری^{۱۵۵} معرفی شد.^{۱۵۶} جان لاک از مفاهیم توالی و تداوم برای ساختن مفاهیم گذشته، آینده، و ابدیت کمک گرفت، درحالی که فضای تهی^{۱۵۷} نیوتن یک فضای کیهانی فراگیر بود^{۱۵۸} که کشف و شهود گالیله و دکارت را فارغ از قیدوبندهای نامحسوس (دکارت) یا هرگونه حرکت دورانی «ضرووری» (گالیله) تقدیس می‌کرد.^{۱۵۹} او با قائل شدن تمایز میان فضا و زمان، وجود مستقل و جوهری فضا را در بستر تصور از «انبساط و گسترش»^{۱۶۰} همسان تصور از «جوهر جسمانی»^{۱۶۱} می‌داند که از «دوالیسم»^{۱۶۲} جوهری دکارت^{۱۶۳} «نشئت می‌گیرد (موضع مطلق یا جوهری»^{۱۶۴} منسوب به دکارت و نیوتن^{۱۶۵}). لایبنیتس فضا^{۱۶۶} را مجموع مکان‌هایی

می‌دانست که همه مکان‌ها را در برمی‌گیرد: «مکان مکان‌ها».^{۱۶۷} در قرن هجدهم، تمام دنیا یک صحنه تصور می‌شد.^{۱۶۸} فردیناندو گالی بیبینا^{۱۶۹} تحت تأثیر تصاویر پرسپکتیو قابل مشاهده انسانی و در تلاش برای طراحی صحنه‌های تئاتر^{۱۷۰} متفاوت از دوره باروک (سال ۱۷۱۱) به فضای هندسی اشغال‌شده توسط هر فرد توجه کرده^{۱۷۱} و آن را مانند یک ساختار می‌پذیرد.^{۱۷۲} جرج بارکلی^{۱۷۳} از نخستین اشخاص روزگار خود بود که عیب پنداشت‌های زمان و مکان مطلق را، که ستون‌های فیزیک نیوتن را تشکیل می‌دادند، تشخیص داد^{۱۷۴} (رد نظریه مکان مطلق نیوتن و تقسیم‌پذیری نامتناهی مکان واقعی^{۱۷۵})؛ اما وی از این تشخیص برجسته نسبت مکان به این ادعا رسید که مکان انتزاعی توخالی است بدون ما به ازایی در واقعیت؛ زیرا با هیچ درک بلاواسطه‌ای مطابقت ندارد. مفهوم مکان تجریدی است از کیفیات فضایی مشخص و روابط متنوعی که بشریت با آن روبه‌رو بوده است. این تعمیم‌ها، آن‌گونه که بارکلی می‌پندارد، عاری از معنا یا جوهر نیست؛ بلکه مقوله‌ای سرشار از همه آن تعینات خاص مکان است که اشیا را مشخص می‌کنند و وارد تجربه می‌شوند.^{۱۷۶} هیوم در بیان تصور بخرنج از مکان جدید (اورشلیم) استدلال می‌کند که بدون تأثر قبلی در تجربه حسی، مکان جدید قابل تصور نیست^{۱۷۷}، مکان محل اتصال علت و معلول است.^{۱۷۸} کانت از حسیات استعلایی نام می‌برد که همان مکان و زمان است و مکان شرط امکان نمود و زمان شرط فعلیت نموده‌ها است.^{۱۷۹} همچنین برای نهاده کمیّت مرز مکانی و برای برابرنهاده آن عدم محدودیت مرز مکانی در نظر می‌گیرد.^{۱۸۰} با پایان تجربه‌باوری و آغاز اثبات‌باوری، محققان تمایل دارند که فضا را به مثابه سازه‌ای محاسبه‌پذیر و اندازه‌پذیر بدانند، درحالی که کارکردباوری^{۱۸۱} با تأکید بر کاربرد مکان، به منزله بستر فیزیکی فعالیت، حقیقت مکان—مفهوم متغیر و وابسته به زمان—را در کارآمدی برای انسان می‌داند. فرم‌باوری^{۱۸۲} مدعی بود که فرم بر کارکرد مسلط است. هگل^{۱۸۳} از مکان به نمادی امن و پناهگاهی در ذهن^{۱۸۴} یاد می‌کند. در پایان

۶۹ در رویکرد پدیدارشناسانه حسیت و بدن فساخ از قواعد و استدلالات عقلی؛ پدیداری تلقی می‌شود که جزئی از تجربه سوژه است. در پدیدارشناسی، هوسرل Edmund Husserl (1859-1938) بدن را واسطه تجربه و درک می‌داند؛ درحالی‌که از نظر مرلوپونتی Maurice Merleau-ponty (1908-1961) بدن نقش اولیه و اساسی در درک جهان ایفا می‌کند، از نظر لویناس، بدن ابزاری برای تجربه و واسطه‌ای برای درک نیست؛ بلکه بدنمندی وضعیت مواجهه سوژه با جهان است (مهدی‌خجازی کناری و صفا سبطی، «بدنمندی در پدیدارشناسی هوسرل، مرلوپونتی و لویناس»، ص ۷۷).

۷۰. لویناس Emmanuel Levinas (1906 – 1995) نیز از وجهی پیوسته به بدن می‌داند (خجازی و سبطی، همان، ص ۸۲ و ۸۵).

۷۱. با توجه به دخالت و حضور سوژه، مکان قدرت فضاشدگی و فضا قدرت مکان‌شدگی دارد (شعبیری، همان، ص ۹۸).

۷۲. باید توجه داشت که بسیاری از تجربه‌گرایان نیز به فطری بودن اعتقاد داشته‌اند؛ زیرا، بدون داشتن ساختاری فطری، ارگانیسم بشر از محیط تأثیر نمی‌پذیرد (نک: ویلیام کریستوفر کرین، نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها؛ جان لنگ، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط).

۷۳. تمامی اطلاعات محیطی، در صورت اولیه خود یک ماهیت واحد دارند که اصطلاحاً به آن‌ها تکانه‌های عصبی می‌گویند. در واقع همه ورودی‌ها ←

مقوم جهانی‌سازی‌اند نقشی محوری دارد و توجه به مکان‌های شهری در دنیایی جهانی‌شده به ما نشان می‌دهد که اهمیت اقتصاد ملی بیش از پیش رو به زوال است.^{۲۰۶} جان فریدمن مکان را پژوهاک‌های شخصی و سیاسی می‌داند که با زندگی در آن‌ها شکل داده می‌شوند.^{۲۰۷} درحالی‌که هاروی در اقتصاد سیاسی^{۲۰۸} مکان را یکی از ویژگی‌های کاسب‌کارسالاری^{۲۰۹} در شهر می‌بیند که بر یک مکان خاص متمرکز هستند، اگرچه ساخت‌وسازهای مکان‌محور در رسانه‌ها به شکلی بازتاب داده می‌شوند که گویی قرار است منافعی را میان همه مردم یک خطه توزیع کنند.^{۲۱۰} کیت نش معتقد است که فاصله‌گذاری زمان- مکان در عصر مدرنیته

امکان توسعه مکانیسم‌های تکه‌برداری را فراهم می‌آورد که فعالیت‌های اجتماعی را از زمینه‌های محلی بیرون آورده و آن‌ها را در سراسر زمان و مکان دوباره سامان می‌دهد.^{۲۱۱}

دیدگاه آنتونی گیدنز درباره جهانی شدن دقیقاً از اینجا سرچشمه می‌گیرد که وی تهی شدن زمان را پیش‌شرط تهی شدن مکان می‌داند، به گونه‌ای که، با تحول مفهوم «مکان تهی» برحسب جدایی مکان از محل، تمایزی اساسی بین این دو به وجود می‌آید.^{۲۱۲} تا خط سیر زمانی و مکانی در نظریه ساخت‌یابی منجر به بازتولید اجتماعی محیط‌ها و تعاملات متقابل افراد از سمت سنتی و چهره‌به‌چهره بودن به سمت مجازی بودن و غیر حضوری سوق داده شود.^{۲۱۳} متیو کرمونا نیز در مدل پیشنهادی خود مکان را برآیند سه عامل فرم، فعالیت و تصور فردی می‌داند که در رابطه تعاملی منجر به شکل‌گیری مکان می‌شوند.^{۲۱۴} تیم کرسول نیز مکان را ترکیبی از ماده، معنی و عمل می‌داند.^{۲۱۵} (ت ۸).

سوم- تحلیل دگرگونی مفهوم مکان در تعامل با سیر تکامل تمدن بشری: از نظر تاریخی، تغییر در مفهوم فضا و مکان در همراهی با تکامل نحوه زندگی، زمانی رخ می‌دهد که انسان غار را برای مکان

قرن هجدهم حوزه‌هایی از انسان‌گرایی و خردگرایی رشد یافت که به شکل باور انسان و کنترل و غلبه بر زمین در قالب تحقیق آزاد و علم تجلی یافت و هوسرل^{۱۸۵} مکان‌ها را نه فقط محل ذخیره اطلاعات، بلکه مخزن مقاصد پیچیده انسانی دانست، به طوری که پدیدارشناسی^{۱۸۶} را جست‌وجوی معانی نهفته در زیست جهان^{۱۸۷} و تجربه مردم را در مرتبه بالاتر از ویژگی‌های استعدادی یا کالبدی مکان و همراه با احساس پیوستن به روح آن در نظر گرفت تا با تأکید بر حقیقت ارتباط و وابستگی به مکان، آن را محصول کنش و واکنش رخ داده در مکان ببیند. هایدگر با توجه به خصلت هستی‌شناختی فضا و مکان و تأکید بر باشیدن^{۱۸۸}، فضا را فاصله در مکان^{۱۸۹} تعریف می‌کند. مرلوپونتی^{۱۹۰} با تأکید بر انسانی بودن مکان^{۱۹۱} و زیست بدن به منزله منشأ مکان^{۱۹۲} که ریشه و بنیاد خود را در واقع‌بودگی^{۱۹۳} انسان دارد^{۱۹۴}، از مکان زیسته^{۱۹۵} به مثابه زیست غیر تأملی انسان در اشیا^{۱۹۶} سخن می‌گوید که حول ساختار مادی تن^{۱۹۷} در افعال گوناگونش پدید آمده است و مکانمندی را جزئی از ساختار تن می‌داند.^{۱۹۸} شولتز^{۱۹۹} با معرفی شاخصه‌های مکان (فعالیت، جهت‌یابی و شناسایی^{۲۰۰})، از هویت مکان به منزله بستر شکل‌گیری احساس تعلق به مکان یاد می‌کند.^{۲۰۱} ادوارد رلف ماهیت مکان را به مثابه مرکز پرمحتوا و عمیق از وجود بشری در بسترسازی فعالیت‌ها و تولید هویت شناختی مؤثر می‌بیند.^{۲۰۲} روان‌شناسی محیطی مکان را برآیندی از نیروهای متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و روان‌شناختی^{۲۰۳} تعریف می‌کند که در لحظه خاصی از زمان بر آن تأثیر می‌گذارند. از نظر استکوس، محیط کالبدی در زمانی مکان خوانده می‌شود که با معانی، احساسات، و فعالیت‌ها همراه شود آن وقتی است که فضاها با مردم و فعالیت‌ها متصل شوند، او معتقد است که مکان قلمروی است که به انسان کمک می‌کند تا بداند در کجاست و کیست.^{۲۰۴}

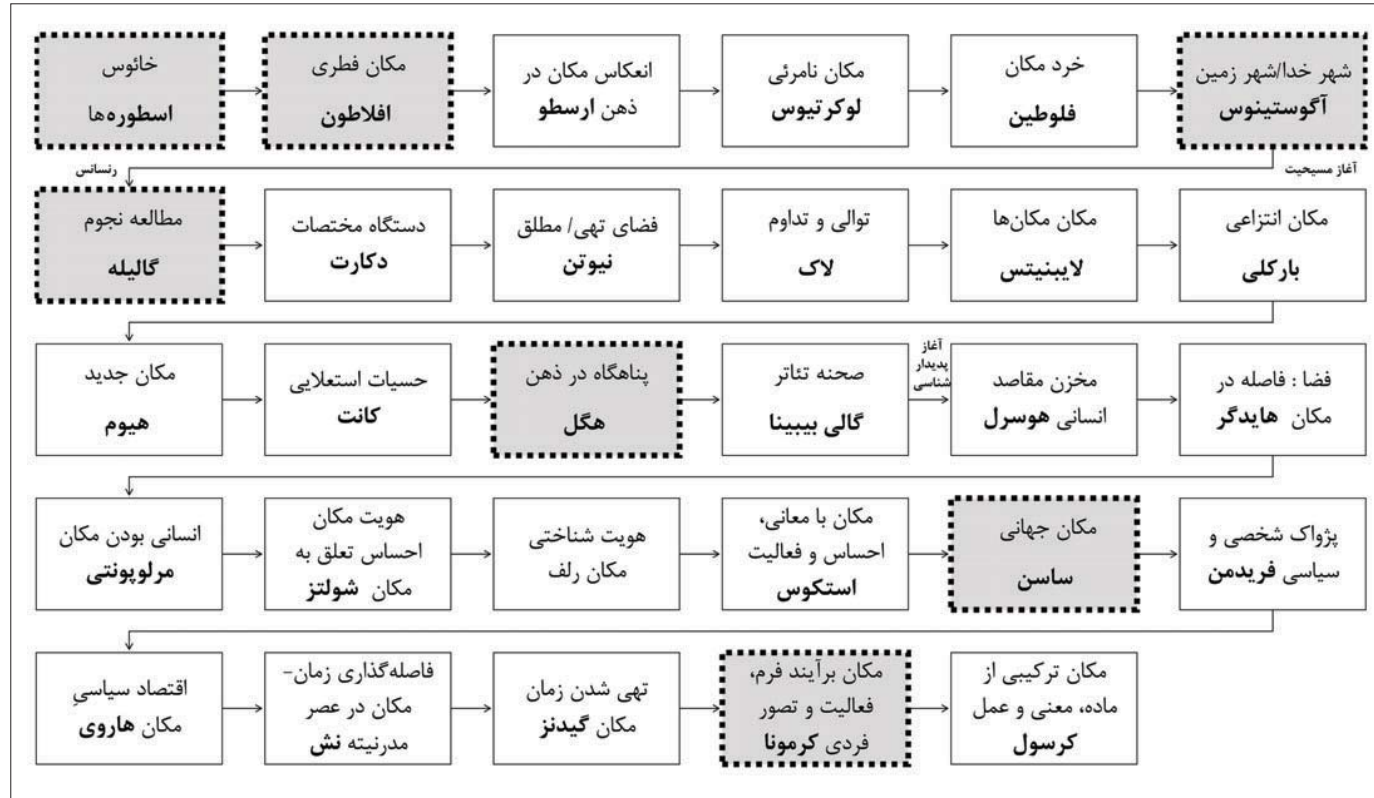
سازکی ساسن بر اهمیت مکان محلی در نو جهانی باوری^{۲۰۵} تأکید می‌کند. از دید او مکان در گردش افراد و سرمایه که خود

→ به نظام عصبی انسان یک‌شکل هستند و این بخش‌های مختلف مغز هستند که بر اساس شرایط و مأموریت خود، تکانه‌ها را به تصویر، صدا، بو، و غیره ترجمه و تفسیر می‌کنند.

تصویر ۸. معرفی دگرگونی مکان در تعامل با سیر تکامل اندیشه‌ها، طرح و تدوین: نگارندگان.

زندگی برمی‌گزیند، درحالی‌که پیش از آن در فضای طبیعی (جنگل و کوهستان) می‌زیسته است. او فضای غار را با ثبت نقاشی‌های خود به مکان تبدیل می‌کند (تا دوران میان‌سنگی)^{۲۱۶}. در دوره نوسنگی انسان در راه تسلط بر محیط خویش گام بزرگی برداشت و با تغییر محیط زندگی خود از کوه به دشت و ساختن خانه یا کلبه از شاخه‌ها (به شکل مدور با الهام از طبیعت خورشید و ماه)، فضای پیرامون^{۲۱۷} را به مکان سکونت و زمین کشاورزی تبدیل کرد^{۲۱۸} (مانند استون هنج و دولمن)^{۲۱۹}. اگرچه در این زمان زندگی جمعی در حال شکل‌گیری بود، حدود ۴۰۰۰ سال طول کشید تا شهرهای نخستین (سومر در بین‌النهرین و مصر) ساخته شود، شهرهایی که

در خدمت نیروی ماورایی و در اطراف معابد و مقابر شکل گرفتند و در جریان هجوم اقوام همسایه دگرگون می‌شدند.^{۲۲۰} وجه تمایز مکان شهر از فضای پیرامون انتخاب نقاط بلند برای استقرار معابد و ساخت‌وسازهای فشرده اطراف آن بود^{۲۲۱}، ساخت‌وسازهایی که به تدریج از مصالح سست به سنگ و از مقیاس انسانی به مقیاس غول‌آسا تبدیل می‌شدند و هویت ماندگاری را پدید می‌آوردند (شهر اوروک^{۲۲۲}، تل براک^{۲۲۳}، کرنک^{۲۲۴} و ادفو^{۲۲۵}،^{۲۲۶} دوران انقلاب شهری حدود ۵۵۰۰ سال به طول انجامید، انقلابی که شهرها و فضاهای شهری بسیاری را در خاطره دارد، فضاهای شهری که به کمک معماری‌های هویت‌مند و تعریف عملکردهای مشخص





۷۴. با توجه به نظر هایدگر، پرداختن به هستی انسان، با عنوان «در-جهان-بودن»، دریافت و فهم تازه‌ای از مکانمندی و زمانمندی انسان را ممکن می‌کند (Martin Heidegger, *Being and Time: A Translation of Sein und Zeit*, pp.107-121).

۷۵. «هریک از ما پیش از آنکه آگاهی باشد، بدنی به‌شمار می‌رود که جهان را دریافت می‌کند و شکل می‌دهد» (مرلوپونتی، *جهان ادراک*، ص ۱۷).

۷۶. از نظر نوام چامسکی، کودک در مواجهه با اطلاعات محیطی منفعل نیست (ویلیام کریستوفر کرین، همان، ص ۴۴۷ و ۴۶۳).

۷۷. انسان از بدو تولد سامانه عصبی بسیار پیچیده‌ای دارد و با امکانات خاصی که آفرینش او در اختیارش قرار می‌دهد، اطلاعات و داده‌های دریافتی از محیط اطراف خود را جمع‌آوری، دسته‌بندی، و پردازش می‌کند. هوسرل این امور را به وسیله ادراکات حسی و برحسب کیفیت آن‌ها یک تجربه زیست انضمامی بر ذهنیت محض می‌داند.

79. Theory of Psychosocial Development

(همان، ص ۳۵۶-۳۸۷).

۸۰. مرلوپونتی بدن را نظرگاهی به جهان می‌داند؛ بدین معنی که بدن به جای اینکه وسیله تجربه حسی و یا علت آگاهی حسی باشد، اساساً امکان دسترسی ما را به جهان فراهم می‌کند (خبازی کناری و سبطی، همان، ص ۸۳).

تخریب‌های فراوان، باعث شد همگان به دنیای واقعی^{۳۳۹} برگردند و با کمک پیشرفت‌های فنی به تولید صنعتی فضا^{۳۴۰} بپردازند، فضاهای عملکردی با مصالح فولاد و بتن و قطعات پیش‌ساخته، فضاهایی که در حدود نیم‌قرن نتوانستند هویت مکانی بیابند^{۳۴۱} و با رشد تخصص‌باوری^{۳۴۲}، چشم‌انداز مکان‌های جاذب مردم به بی‌مکانی تغییر یافت.^{۳۴۳} در این شرایط پیشرفت‌های فناورانه متوقف نشد و از نیمه‌های قرن بیستم، انقلاب اطلاعاتی شکل گرفت، انقلابی که فضای انتزاعی ذهن جست‌وجوگر را در ماشین زمان حل و فضای مجازی^{۳۴۴} را تولید کرد، فضایی که تمامی مرزهای زمان و مکان را در هم نوردید تا جایی که احساس بی‌مکانی، بعد از یک دهه، توجه‌ها را متمرکز و آغازگر پارادایم مکان و جنبش مکان‌سازی^{۳۴۵} در دهه ۱۹۷۰ شد، جنبشی که در دو دهه بعدی به حفاظت از محیط زیست^{۳۴۶} و پس از آن به احیای فضاهای خودرو و سامان‌دهی نامکان^{۳۴۷}‌هایی پرداخت که از دل برنامه‌ریزی‌های جامع^{۳۴۸} از بالا به پایین شکل گرفته بودند، سامان‌دهی‌ای که در قرن حاضر خلق مکان‌های مردمی^{۳۴۹} و افزایش کیفیت آن‌ها را در چشم‌اندازهای خود قرار داده است^{۳۵۰} (ت ۹).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعامل انسان و محیط برحسب توانایی ادراک ماهیت فضا در سنین مختلف انسان دارای مراتبی است، به‌گونه‌ای که در دوران جنینی از فضای ناشناخته به مرتبه احساس مکان و پس از تولد از مرتبه تمیز مکان به تعیین جایگاه و گزینش مکان، از مرتبه خانه به قلمروییابی و با الصاق معنا از مرتبه شکل‌دهی مکان به پذیرش هویت مکان دیگر ارتقا می‌یابد.

ارتقای ادراکی انسان از فضا تا مکان در جست‌وجوی او برای شناخت جایگاه انسانی‌اش در این جهان با سؤال پیرامون مبدأ خلقت از حاکمان و عالمان دینی آغاز و با تلاش اندیشمندان در جهت پاسخ به آن، زمینه‌های دانش فلسفه و ظهور فلاسفه بزرگ در یونان را فراهم کرده است. همسو با

برای ساکنانشان ارزش مکانی یافته‌اند، مکان‌های باارزشی که هنوز میراث فرهنگی آن سرزمین و درخور ستایش هستند (مانند آتن، رم، و تخت جمشید). در این دوران که پس از ظهور دو دین مسیحیت و اسلام است، دگرگونی مکان و تولید مکان جدید با توجه به آموزه‌های دینی (مانند کلیسا و مسجد) تجربه شده است، تجربه جهت‌گیری بناها به سوی قبله مذهبی (تأثیر مغناطیس) و تقسیمات فضایی-عملکردی که موجب خردمکان‌های جدید با حال‌وهوای متفاوت شده، تجربه مکانی جدیدی برای انسان به همراه داشته است. اواخر انقلاب شهری، یک انقلاب درونی شکل گرفت و با تشکیل نهضت اومانیسم در ایتالیا، رنسانس رخ داد و ذهن جست‌وجوگر انسان را در اکتشافات علمی^{۳۳۷}، هنری^{۳۳۸}، و ادبی^{۳۳۹} با خود همراه کرد، همراهی‌ای که با اصل قرار دادن بدن انسان، فضای متنوع و آزاد را به مکان منظم متقارن (قاعده‌مند)^{۳۴۰} تبدیل کرد (شهر فلورانس)، آنچه خود مقدمه انقلاب صنعتی^{۳۴۱} و ورود به عصر ماشین و سرعت را فراهم کرد، عصری که با ساخت دستگاه‌های تولیدی کارخانه‌ها و وسایل حمل‌ونقل تجربه کاهش زمان مکانمند و تولید سریع مکان را به همراه داشت، سرعتی که درک آن بارها ذهن انسان را در تولید مکان متشنج کرده بود؛ گاه می‌خواست در مقابل آن بایستد و به کلاسیک بنگردد^{۳۴۲} و گاه می‌خواست، با پذیرش پیشرفت‌های علمی^{۳۴۳}، خود را از قیود ذهن برهاند^{۳۴۴} و عرصه مکانی خود را در آزادی بیابد و بیشتر به فضاسازی بپردازد، آنچه از تجربه اولیه پیامدهای صنعتی و شهری شدن به دست آمد، آگاهی از نیاز به پرورش شیوه‌ها و وسایلی نوین برای فهم و در نتیجه کنترل و سازمان‌دهی فضا و ملازم با آن، افراد و گروه‌هایی بود که در این فضا ساکن بودند، فضاهایی که داستان یک حرکت ماشینی^{۳۴۵} را به صورت انتزاعی تصویر می‌کردند، داستانی که فقط خالق اثر می‌توانست آن را روایت کند^{۳۴۶}. در این شرایط شهر مکان روانه شدن سرمایه و تحقق ارزش اضافی تعریف می‌شود.^{۳۴۷} احساس تسلط بر فضا^{۳۴۸} از قرن بیستم شکل گرفت؛ لکن وقوع دو جنگ جهانی و نیاز به ساختمان، به علت

می‌کند. شاکله‌ها اموری پیشین هستند که از طرفی کثرت داده‌های حسی پراکنده را نظم می‌بخشند و از طرف دیگر، ادراک و فهم را به هم مرتبط می‌کنند. کانت تخیل را حامل شاکله‌ها می‌داند درحالی‌که مرلوبونتی شاکلهٔ بدنی را امری پیشین به معنی پیش از شناخت می‌داند که اساساً نه امری ذهنی یا مفهومی در جهت شناخت؛ بلکه شکل‌دهندهٔ هر نوع درک و تأملی نسبت به جهان است (تیلور کارمن و همکار، مرلوبونتی ستایشگر فلسفه، ص ۱۵۱-۱۵۵).

۹۰. امکان حرکتی برای سوژه این فرصت را فراهم می‌کند تا از اینجا و اکنون به آنجا تغییر مکان دهد و هر آنجایی را به اینجا تبدیل کند.

91. Experience

۹۲. از نظر هوسرل، بدن علاوه بر امکانات حسی، از امکانات حرکتی به نحو اختیاری و تحت ارادهٔ سوژه برخوردار است و از طریق آن می‌تواند در میان ایزه‌ها حرکت کند؛ یعنی بدن وضعیت دوگانه‌ای دارد: از یک سو، محل تمرکز حس‌ها و ادراک است و از سوی دیگر، از طریق وضعیت مکانی و با جهت‌گیری حرکتی اعضای بدن، چیزها را برحسب دوری و نزدیکی یا موقعیت بالا و پایین و چپ و راست بر سوژه آشکار می‌کند (خبازی و سبطی، همان، ص ۷۸-۷۹).

۹۳. نک: برک، همان، ج ۲، فصل ۴. ۹۴. در سال‌هایی که شخصیت شکل می‌گیرد، «شناخت» با تجربهٔ مکان ارتباط نزدیک می‌یابد. وقتی که مکان‌ها و محیط‌ها نسبت با یکدیگر در تعامل باشند، مفهوم درون و بیرون شکل می‌گیرد. زمانی بشر ←

از تحلیل یکپارچهٔ دگرگونی مکان در قلمروهای زمانی سه‌گانه را این‌گونه می‌توان معرفی کرد:

– نخست: مکان محصول در هم آمیختن فضا و تجربه است.^{۲۵۳} دانش انسان‌باوری عقلانی تا حدودی می‌تواند «در بین^{۲۵۴}» مکان بیرونی و آگاهی درونی قرار گیرد.^{۲۵۵} تصویر نیروهای اشغال‌کنندهٔ فضا را بر این ایده استوار می‌کند که فضا ظرفی کنش‌پذیر است (ت ۱۱).

– دوم: مکان برآمده از درهم‌تنیدگی نیروهای عینی و ذهنی است. – سوم: مکان در عین داشتن وجود خود، فضا را هم در خود دارد و این فضا است که در مکان شکل و معنا می‌گیرد. مکان صرفاً فضایی انتزاعی نیست؛ بلکه قلمرویی است که در آن پرکتیس^{۲۵۶}‌های اجتماعی^{۲۵۷} – بنیادی – مصرف، تمتع، سنت، خودشناسی، همبستگی، حمایت اجتماعی، بازتولید اجتماعی، و مانند آن – سپری می‌شوند.^{۲۵۸}

– چهارم: دگرگونی مکان به دگرگونی شهری می‌انجامد.^{۲۵۹} شهر مذهبی با ظهور فضای عبادت (معابد)، شهر علمی با ظهور فضای علمی (مراکز دانش)، شهر صنعتی با ظهور فضای صنعتی (کارخانه و کارگاه)، شهر انسانی با ظهور فضای اندیشیدن (مراکز علوم انسانی)، شهر مجازی با ظهور فضای مجازی (اینترنت)، شهر جهانی با ظهور فضای جهانی‌شده (دهکدهٔ جهانی)، دگرگونی‌های متعددی را تجربه کرده است (ت ۱۲).

– پنجم: زمان در مکان «فیزیکی – ذهنی» به حرکت یا خاطره نسبت «وجودی – حضوری» می‌دهد. بدون حضور انسان مکان معنا ندارد. پس انسان مکان را از دل فضا خلق می‌کند. از آنجا که هر انسانی منحصر به فرد است، مکان خلق‌شده هم منحصر به فرد خواهد بود؛ زیرا اگر تمام جزء به جزء یک مخلوق هم تکرار شود، باز در محل فضا باهم اختلاف دارند.

– ششم: انسان با بدن و در بدن، با ادراک و در ادراک، «مکان – فضا» را تجربه می‌کند و می‌فهمد و «مکان – فضا» به طیف تاریخی آنچه در آن تجربه شده است، به فهم خودش

مسیر شناخت‌شناسی^{۲۶۱}، نظریه‌های متعدد پیرامون مکان ذهنی (فلسفه) و فطری (دینی) شکل گرفته‌اند و با تقاضای بیان تصویری آن‌ها، در علوم ریاضیات و فیزیک به مدل‌سازی و تعیین مکان هندسی هر ذره همت گمارده شده است، به‌گونه‌ای که با پیشرفت فناوری دستگاه‌های جست‌وجوگر (تولید عدسی و کاربرد آن در میکروسکوپ و تلسکوپ)، مکان نسبی تعریف و با گسترش امکان جابه‌جایی و توسعهٔ وسایل حمل‌ونقل پس از انقلاب صنعتی، محدودیت قیود مکان و زمان، تلاش‌ها به سوی ورود به دنیای نامحدود و مجازی هدایت و با انقلاب اطلاعات و فناوری، مکان مجازی تولید شده است تا مکان جهانی شکل گیرد.

همچنین ارتقای ادراکی انسان او را از زندگی شبه انسانی (مغلوب طبیعت) به زندگی مختص انسانی (غلبه بر طبیعت) هدایت کرد و طی تلاش برای تعیین مکان زندگی، او را از جنگل به غار (داشتن سرپناه) و دشت (بهره‌برداری تحت کنترل) آورد و همراه با شکل‌گیری زندگی جمعی، روستا و شهر را شکل داد، مکان‌های جدیدی که در هر زمان تحت تأثیر نیروهای مؤثر^{۲۶۲} (مورد بحث در علوم طبیعی و انسانی) کالبد جدیدی یافته‌اند و افزون بر رفع نیازهای زیستی و امنیت، با آغاز رنسانس و شکل‌گیری پرسپکتیو، چهرهٔ جدیدی یافتند، چهره‌ای که با توسعهٔ فناوری ساخت‌وساز پس از انقلاب صنعتی دچار تغییر و با ظهور دنیای مجازی در قرن بیستم دگرگون شد.

مطالعهٔ سیر دگرگونی مکان در سه قلمرو زمانی دگرگونی

مفهوم مکان در تعامل با

۱) سیر تکامل انسان،

۲) سیر تکامل اندیشه‌ها، و

۳) سیر تکامل تمدن بشری در گذر زمان از ابتدا تاکنون

را می‌توان به صورت فشرده در یک نمودار زمانمند، منظم، برخوردار از توالی و تسلسل منطقی، و بیانگر ارتباط بین قلمروهای زمانی سه‌گانه معرفی کرد (ت ۱۰). یافته‌های برآمده

۱۰۰. ساختار ادراکی شامل مجموعه عناصر تجسمی و دریافت ذهنی بیننده از محیط و عناصر کیفی آن، درک خوانایی کالبدی، مکانی، زمانی، و تشخیص عناصر هویت بخش است. به نظر برونسویک ←

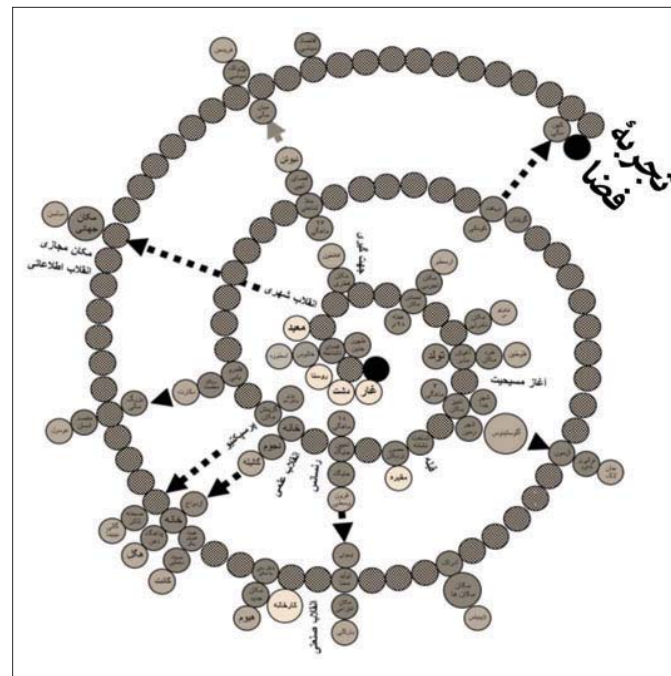
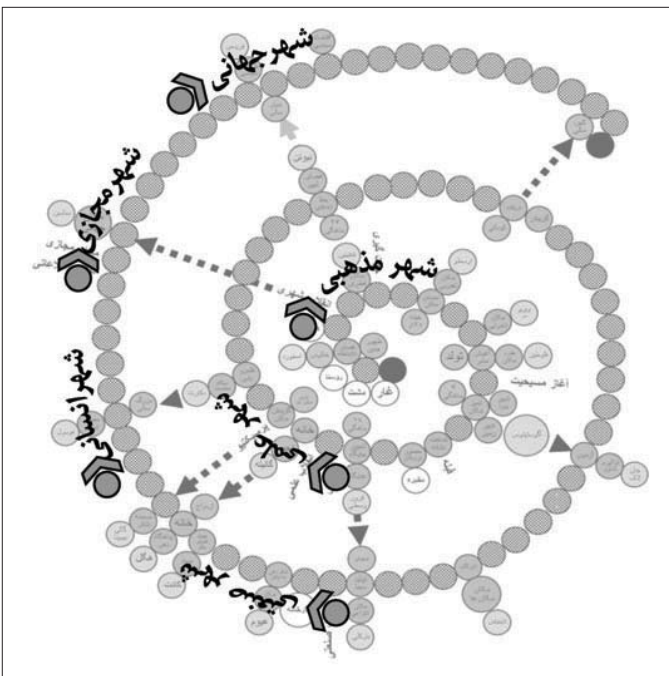
تصویر ۱۱ (راست). مکان محصول درآمیختن فضا و تجربه، طرح: نگارندگان.
تصویر ۱۲ (چپ). وابستگی هویت شهر به خرد مکان شهری، طرح: نگارندگان.

- نهم: تعامل انسان با مکان با سلسله مراتب هرم نیاز مازلو هماهنگ است.^{۲۶۳} طبق نظر مازلو در نظریه سلسله مراتب نیازهای انسان این فرایند در اولین سطح هرم توجه به نیازهای فیزیولوژیک (مادی)؛ سطح دوم، مرحله کیفیت‌های امن سازی فضا و امنیت مکانی؛ سطح سوم، ایجاد حس تعلق و دلبستگی به مکان، گذر از مرحله فردباوری به مرحله جمع باوری با پذیرش اشتراک منافع با دیگران، تقسیم فضا، و برقراری ارتباط با ایشان تا تعامل اجتماعی کامل، حضور در فضا و احترام به مکان با حفاظت از آن؛ سطح چهارم، قائل به حق آیندگان در استفاده از فضا و توجه به امور معنوی با تولید فضای قدسی و تجربه مکان‌های مقدس، و توسعه فضا و عبور از مرزهای زمان و مکان؛ سطح پنجم، خودشکوفایی و ورود به دنیای مجازی تکرار می‌شود (ت ۱۶).

درخواهد آمد.^{۲۶۰} تجربه و فهم مکان بازتابی است که در مواجهه با یک فضا در درون هر فرد به نوعی عکس العمل می‌انجامد، این عکس العمل‌ها به هنجارهای اجتماعی تبدیل می‌شوند. جانمایی تطبیقی دگرگونی‌های مکان نشان می‌دهد که بیشترین دگرگونی از تجربه آغاز و تا عقل ادامه می‌یابد و این فرایند طبیعی شناخت انسان است (ت ۱۳).

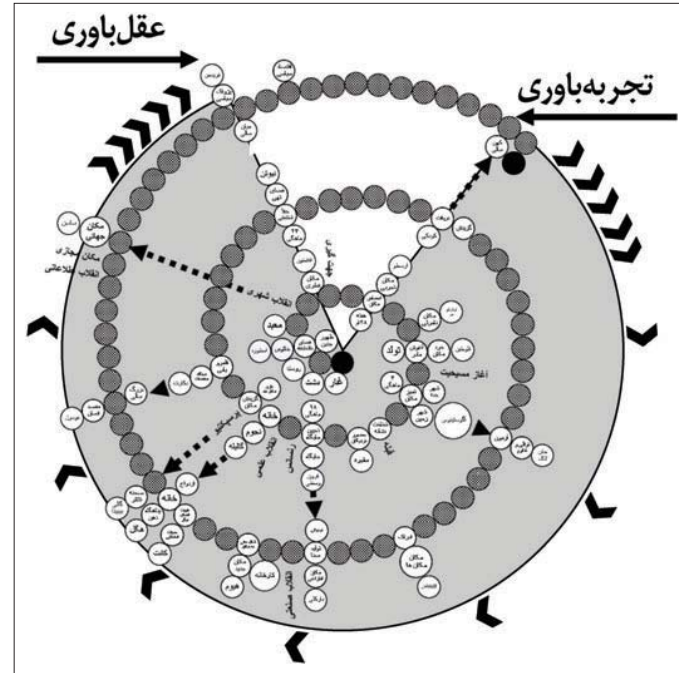
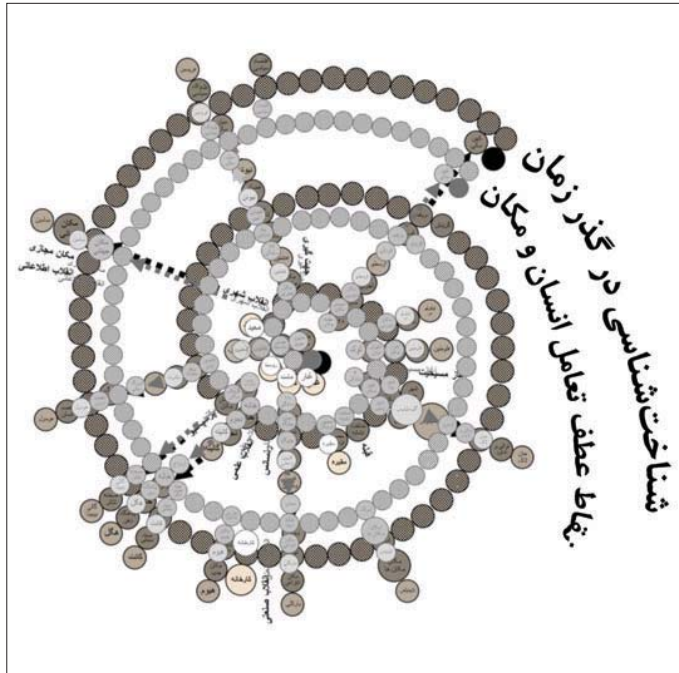
- هفتم: تکامل شعور (احساس و ادراک) انسان در گذر زمان منطبق با رشد جسمانی در طول زندگی، زمینه تکامل شناخت‌شناسی (فلسفه) و در نتیجه جست‌وجوی مکان را فراهم آورده است.^{۲۶۱} (ت ۱۴).

- هشتم: نقاط ابتدایی و انتهایی (سیاه‌رنگ) نشان می‌دهد که نمودار تکرارپذیر است و ادامه دارد، به بیان دیگر مکان به دلیل وابسته بودن به حضور انسان، تداوم می‌یابد.^{۲۶۲} (ت ۱۵).



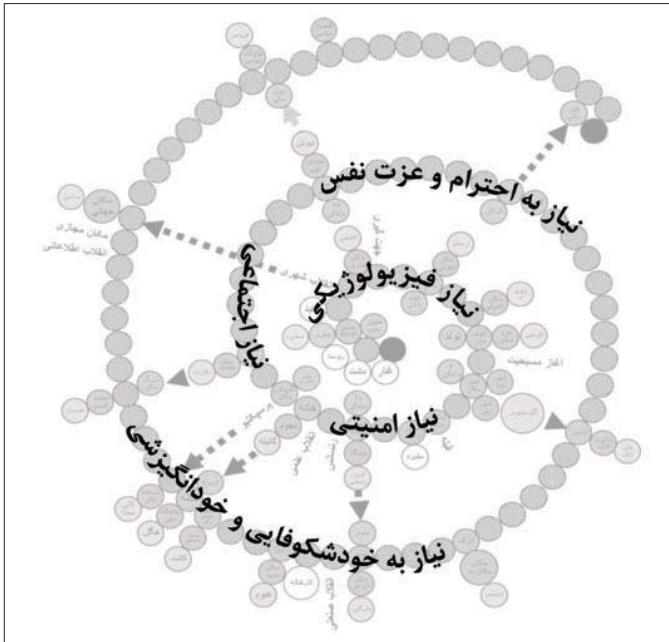
منابع و مأخذ

- انسان‌ها نقش بسیار فعالی در سازمان‌دهی ادراکشان از محیط بازی می‌کنند. (اعظم کریمی و همکاران، «رزبایی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظرگاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری»، ← تصویر ۱۳ (راست). انطباق دگرگونی مکان بر دگرگونی شناختی انسان، طرح: نگارندگان. تصویر ۱۴ (چپ). شناخت‌شناسی حلقه واسطه تکامل انسان و جست‌وجوی مکان، طرح: نگارندگان.
- آصفی، مازیار و الناز ایمانی. «ریشه‌یابی و شناخت عوامل دگرگون‌ساز روح معماری گذشته ایران در گذر زمان، اصالت گذشته، تازگی اکنون»، در هویت شهر، ش ۱۹ (پاییز ۱۳۹۳)، ص ۶۳-۷۶.
- اعتمادی‌نیا، مجتبی. «زمان و مکان از منظر اوسپنسکی با تکیه بر نظرگاه ارغنون سوم»، در متافیزیک، ش ۱۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، ص ۶۱-۷۸.
- افشار کرمانی، عزیزالله و فاطمه بابامرادی. «زمان و مکان در اندیشه ارسطو و سهروردی»، در *دوفصلنامه فلسفی شناخت*، ش ۷۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، ص ۳۷-۵۰.
- ایلخانی، محمد. *تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۶.
- بابایی، پرویز. *مکتب‌های فلسفی: از دوران باستان تا امروز*، تهران: نگاه، ۱۳۹۲.
- برک، لورا. *روان‌شناسی رشد*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ج ۲، تهران: ارسباران، ۱۳۹۶.
- بهبودی، ریحانه. «ادراک در معماری؛ مطالعه موردی: سنجش ادراک گردشگران اروپایی از معماری ایرانی-اسلامی شهر اصفهان»، در *هنرهای زیبا*، ش ۳ (پاییز ۱۳۹۱)، ص ۴۱-۴۸.
- پالمر، ریچارد. *علم هرمنوتیک*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس، ۱۳۹۳.
- پرتوی، پروین. «مکان و بی‌مکانی رویکردی پدیدارشناسانه»، در *هنرهای زیبا*، ش ۱۴ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۴۰-۵۰.
- پیربابایی، محمدتقی و مینو قره‌بگلو و زهرا علی‌نام. «بررسی فرایند دل‌بستگی به مکان در مطالعات شهری با رویکرد روان‌شناسی شناختی»، در *تازه‌های علوم شناختی*، ش ۶۵ (بهار ۱۳۹۴)، ص ۴۶-۵۹.



→ ص ۱۴). ایتلسون فرد را بخشی از نظام ادراکی می‌داند (همان، ص ۱۵). گروت معتقد است که اطلاعات زیبایی‌شناختی با احساس و اطلاعات معنایی با شعور ادراک می‌شوند (ریحانه بهبودی، «ادراک در معماری»، ص ۳۳ و ۴۴).

تصویر ۱۵ (راست). تداوم مکان در تعامل با انسان، طرح: نگارندگان. تصویر ۱۶ (چپ). انطباق دگرگونی مکان با سلسله‌مراتب تکامل نیازهای انسان، طرح: نگارندگان.



تفضلی، فریدون. تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴.

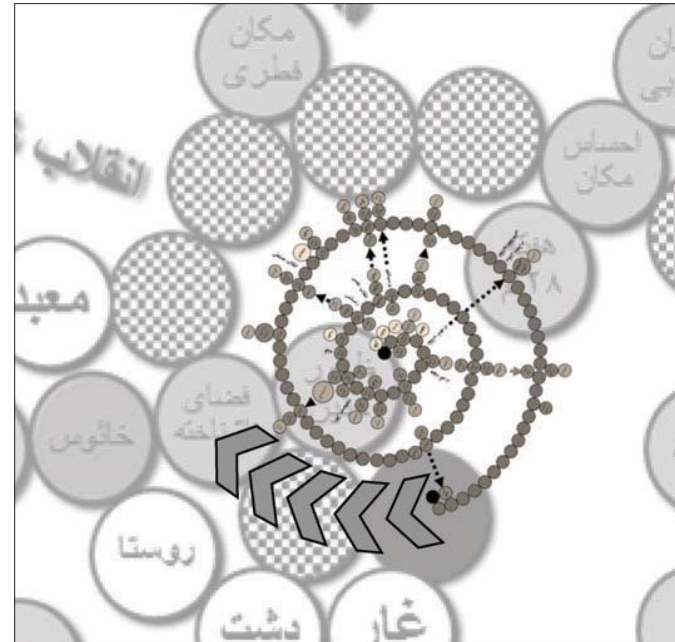
تقی‌پور، ملیحه و حسین سلطانزاده. «نقش سازمان‌دهی محیط در تعامل اجتماعی ساکنان مجموعه‌های مسکونی شیراز؛ مجتمع‌های امیرکبیر، جنت، ابریشم، مطهری»، در برنامه‌ریزی فضایی، ش ۲۰ (بهار ۱۳۹۵)، ص ۱۰۲-۷۹.

جلالی‌پور، حمیدرضا. «گونه‌شناسی رویکردهای تغییر»، در فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۴۳ و ۴۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، ص ۳۶۳-۴۱۹.

جهانپنده، سینا. «زمان، هویت و روایت: چگونگی فهم زمان در روایت‌های تخیلی غرب و ایران»، در ادب‌پژوهی، ش ۱۹ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۱۲۱-۱۵۰.

حکمت‌مهر، محمدمهدی. «بررسی و نقد دوگانه‌انگاری دکارتی»، در ذهن، ش ۴۵ (بهار ۱۳۹۰)، ص ۱۷۵-۱۹۹.

خبازی کناری، مهدی و صفا سبطی. «بدنمندی در پدیدارشناسی هوسرل، مرلوپونتی و لویاس»، در حکمت و فلسفه، ش ۳ (پاییز ۱۳۹۵)، ص ۷۵-۹۸. راپاپورت، آموس. معنای محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی،



ترجمه فرح حبیب، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۴. رایس، فیلیپ. رشد انسان: روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ، ترجمه مهشید فروغان. تهران: ارجمند، ۱۳۹۵.

رستمی جلیلیان، حسین. «بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های تطبیق تفسیر زمان در اندیشه برگسون و ملاصدرا»، در فصلنامه اندیشه دینی، ش ۴۲ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۹۷-۱۱۸.

رشاد، محمد. فلسفه از آغاز تاریخ، ج ۲، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۵. زارع شاه‌آبادی، اکبر و یاسر ندرپور. «رابطة بین تجربه خشونت در دوران کودکی و خشونت علیه زنان در شهر کوه‌دشت»، در مطالعات روان‌شناختی زنان، ش ۴۱ (زمستان ۱۳۹۳)، ص ۹۳-۱۱۸.

زارعی، ابراهیم. آشنایی با معماری جهان، تهران: فن‌آوران، ۱۳۹۵.

زند و کیلی، مهدی. مردم‌شناسی فرهنگی، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۳.

ستوده، هدایت‌الله. روان‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور، ۱۳۸۶.

سعادت‌ی خمسه، اسماعیل. «خودادراکی استعلایی و خودشناسی»، در دوفصلنامه فلسفی شناخت، ش ۷۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، ص ۱۴۷-۱۶۶.

۱۰۱. ادراکات و احساسات از فضا در ذهن مکانی دارند که در مواجهه با مکان واقعی بیرونی حکم تداعی کننده‌ها را بازی می‌کنند و سبب آشنایی با مکان می‌شوند. انسان خود را با این فضا، این مکان، و این لحظه می‌شناسد. عین و ذهن یک واحد را تشکیل می‌دهند و ذهن دنیایی را، که در فرایند ادراک حس می‌کند، می‌آفریند.

۱۰۲. یکی از پاسخ‌های ذهن برای نظام‌مند کردن اطلاعات «طرح‌واره» است که با تلخیص اطلاعات بر اساس قواعد شناخته‌شده شکل می‌گیرد.

۱۰۳. هر نوع خلل در ساختار پیام (مانند یکسان‌سازی، تداخل، نقصان) یا فرایند دریافت صحیح آن منجر به تحریک نشدن حواس یا تحریک ناقص آن می‌شود.

۱۰۴. بانو فضا را یک رویداد ادراکی بین انسان و محیط معرفی می‌کند (مونا کعبیان، «مفهوم انسان شناسانه فضا، نظریه اتو فردریش بانو در باب مفهوم انسان شناختی فضا»، ص ۳۹).

۱۰۵. رایاپورت معنا را مهم‌ترین جنبه و کارکرد عملکرد می‌داند و در بررسی معنای محیط مصنوع، به سه روش زبان شناختی و نشانه‌شناختی، رویکرد رفتاری، و نمادشناختی توجه می‌کند (نک: آموس رایاپورت، معنای محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط

غیر کلامی). جان لنگ سودمندی احساسی و یا عملی عناصر محیط را معنا می‌نامد (نک: جان لنگ، همان).

رلف معانی مکان و فضا را باز و نامتناهی می‌داند که از شخصی به شخص دیگر، از زمینه‌ای به زمینه دیگر و از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت‌اند (نک: Edward Relph, *Place and Placelessness*).

کرسول ←

سی نورث، داگلاس. *فهم فرایند تحول اقتصادی*، ترجمه میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی‌زاده، تهران: نهادگرا، ۱۳۹۶.

سیدمن، استیون. *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶.

سیدهاشمی، سیدمحمداسماعیل. «زمان و مکان در منظومه معرفت‌شناختی کانت»، در *آینه معرفت*، ش ۹ (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، ص ۱۰۱-۱۲۴. شعیبری، حمیدرضا. «نوع‌شناسی مکان و نقش آن در تولید و تهدید معنا»، در *مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی (نشانه‌شناسی مکان)*، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران: سخن، ۱۳۸۹، ص ۹۷-۱۱۶.

شکری، محمد. «مکان در پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی مریلوپونتی». در *آیین معرفت*، ش ۴۶ (بهار ۱۳۹۵)، ص ۱۰۵-۱۲۰.

صافیان، محمدجواد و عبدالله امینی. «مفاهیم "زمان" و "مکان" در فلسفه لایبنیتس»، در *خردنامه صدر*، ش ۵۶ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۳۳-۴۴.

صفایی‌پور، مسعود و جعفر سعیدی. «تحلیلی تاریخی بر عناصر و ساختار کالبدی فضایی شهرهای ایرانی-اسلامی»، در *اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال پنجم، ش ۳ (زمستان ۱۳۹۶)، ص ۹۵-۱۲۵. doi: 10.22081/ jiss.2017.65554

صفری حلاوی، عبدالرضا. «من واقعی کانت»، در *فلسفه*، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، ص ۸۴-۱۰۱.

عالم، عبدالرحمن. *تاریخ فلسفه سیاسی غرب از آغاز تا پایان سده‌های میانه*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۹۰.

عباسزاده، مهدی. «شهود و زمان: مقایسه آرای برگسون و صدرالمآلهین»، در *ذهن*، ش ۳۱ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۵۱-۷۶.

فتح طاهری، علی و مهرداد پارسا. «بررسی مفهوم «کورا» در اندیشه کریستوا با نظر به رساله تیمائوس افلاطون»، در *حکمت و فلسفه*، ش ۲۹ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۷۷-۹۲. doi: 10.22054/wph.2012.5838

فکوهی، ناصر. *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.

قربانی سینی، علی و ابراهیم رضایی. «ضرورت طرح زیست جهان در پدیدارشناسی هوسرل»، در *فلسفه تحلیلی (جستارهای فلسفی-پژوهشی فلسفه)*، ش ۲۹ (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، ص ۱۶۹-۱۹۴.

کارمن، تیلور و مارک بی.ان. *هنسن. مریلوپونتی ستایشگر فلسفه*، ترجمه هانیا یاسری، تهران: ققنوس، ۱۳۹۱.

کریستوفر کرین، *نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها*، ترجمه غلامرضا

خوی‌نژاد، علیرضا رجایی، تهران: رشد، ۱۳۹۷.

کرمونا، متیو، تیم هیت و تنراکواستیون تیسدل. *مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری*، ترجمه فریبا قرانی و همکاران، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۶.

کریمی یزدی، اعظم و ناصر براتی و مجید زارعی. «ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظرگاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری»، در *باغ نظر*، ش ۴۵ (اسفند ۱۳۹۵)، ص ۱۳-۲۶.

کعبیان، مونا. «مفهوم انسان‌شناسانه فضا، نظریه اتو فردریش بانو در باب مفهوم انسان شناختی فضا». در *باغ نظر*، ش ۴ (اسفند ۱۳۸۴)، ص ۲۴-۴۱.

گاردنر، هلن. *هنر در گذر زمان*، ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: آگاه، ۱۳۹۶. گلپایگانی، محسن و عارفه گودرزوند. «تصلیب و مرگ عیسی از نگاه مفسران اسلامی»، در *پژوهش‌های ادیانی*، ش ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، ص ۷۱-۸۸.

گی، روزه. *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵. گیدنز، آنتونی. *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز، ۱۳۹۴.

_____ . *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.

لنگ، جان. *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*، ترجمه علیرضا عینی‌فر، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.

لوکرتیوس کاروس، تیتوس. *درباره طبیعت*، ترجمه میرجلال‌الدین کزازی، تهران: معین، ۱۳۹۰.

لو، ستا ام و دیگران. *نگرشی نو بر تنوع فرهنگی در فضاهای عمومی با تأکید بر پارک‌های شهری*، ترجمه وراز مرادی مسیحی و دیگران، تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، ۱۳۹۰.

مارکوس، کلر کوپر و کارولین فرانسس. *مکان‌های مردمی-راهنمای طراحی فضاهای باز عمومی*، ترجمه نغمه مفیدی‌نژاد، تهران: کتابکده کسری، ۱۳۹۴.

محمدی، مریم. «بررسی فرم شهر از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای؛ نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران»، در *مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی (نشانه‌شناسی مکان)*، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران: سخن، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴-۱۸۴.

محمودی‌نژاد، هادی و محمدرضا پورجعفر و محمدرضا بمانیان و مجتبی

→ معتقد است که یک مکان فضایی است که معنا را به وجود می‌آورد (نک: T. Cresswell, "Place", (abstract) ۱۰۶. امور انتزاعی (abstract) فرازمانی و فرامکانی هستند. ۱۰۷. نک:

L. Rascaroli, "The Space of a Return, A Topographic Study of Alain Resnais' Providence".

۱۰۸. دیدگاه‌های تعاملی در مکاتب روان‌شناسی بر این باورند که انسان با محیط ارتباط برقرار و در آن دخل و تصرف می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد (ملیحه تقی‌پور و حسین سلطانزاده، «نقش سازمان‌دهی محیط در تعامل اجتماعی ساکنان مجموعه‌های مسکونی شیراز: مجتمع‌های امیرکبیر، جنت، ابریشم، مطهری»، ص ۸۰).
۱۰۹. اشاره به شش سطح معنا از نظر گیسیون: معنای اولیه و ملموس، معنای کاربردی، معنای ابزاری و ماشینی، معنای ارزشی و عاطفی چیزها، معنا در سطح نشانه‌ها، معنادر سطح نمادها (جان لنگ، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ص ۱۰۸).
110. collective memory

۱۱۱. دگرجای فوکویی (۱۹۸۴) محل‌های استقرار است، بدون مکان واقعی. دگرجا (هتروتوپیا) نوعی اتوپیا است که در جایگاه‌هایی واقعی محقق شده است؛ اما نظم موجود را بر هم می‌زند. نوعی مکان که بیرون از همه مکان‌ها است و درعین حال به‌خوبی قابل مکان‌یابی است.
۱۱۲. هویت یعنی مکان تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی‌واسطه و تفسیر هدمند از آنچه هست و ←

نوربرگ- شولتز، کریستیان. مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمودامیر یاراحمدی، تهران: آگه، ۱۳۹۲.

نیوتن، آیزاک. اصول ریاضی فلسفه طبیعی، ترجمه بهنام شیخ باقری، تهران: نشر نی، ۱۳۹۷.

وایت‌هاوس، روث. نخستین شهرها، ترجمه مهدی سبحانی، تهران: فضا، ۱۳۶۹.

وودفین، راپرت و جودی گراوز. ارسطو، ترجمه محمد فیروز کوهی، تهران: شیرازه، ۱۳۸۱.

هال، استیون و همکاران. پرسش‌های ادراک: پدیدارشناسی معماری، ترجمه مرتضی نیک‌فطرت و همکاران، تهران: کتاب فکر نو، ۱۳۹۵.

هایدگر، مارتین. «ساختن، باشیدن، اندیشیدن»، در فریدریش نیچه و دیگران، هرمونتیک مدرن: گزینیه جستارها، ترجمه بابک احمدی و دیگران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.

هرگنهان، بی. آر و میتو اچ السون. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: دوران، ۱۳۹۷.

Blomley, Nicholas. "The Territorialization of Property in Land: Space, Power and Practice", in *Territory, Politics, Governance*, Published online: 07 Aug 2017, pp. 233-249, doi: 10.1080/21622671.2017.1359107.

Berkeley, George, *A Treatise Concerning the Principles of Human Knowledge*, 2002, available at: <https://www.maths.tcd.ie/~dwilkins/Berkeley/HumanKnowledge/1734/HumKno.pdf>

Childe, Vere Gordon. *The Prehistory of European Society*, London: Penguin, 1958.

Conway, Martin A. & K. Meares & S. Standart. "Images & Goals", in *Memory*, No.12 (2004), pp. 525-531.

Cresswell, T. "Place", in N. Thrift, & R. Kitchen (Eds.), in *International Encyclopedia of Human Geography*, No. 8 (2009), pp. 169-177.

Entrikin, J. Nicholas. "Place and Region 3", in *Journal of Progress in Human Geography*, No. 2 (April 1997), pp. 263-268, <https://doi.org/10.1191/030913297677390879>.

Friedman, John. "Reflections on Place and Place-making

انصاری و علی‌اکبر تقوایی. «پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای مفهوم فضا به مکان شهری»، در *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۷)، ص ۲۸۲-۲۹۷.

مختاری، محمدتقی و دیگران. «دگرگونی‌های ساختاری شهر سنج با تکیه بر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی»، در *گنجینه اسناد*، ش ۳ (پاییز ۱۳۹۶)، ص ۶۴-۸۱.

مرلوپونتی، موریس. جهان‌ادراک، ترجمه فرزاد جابرالنصار. تهران: ققنوس، ۱۳۹۱.
مسگر هروی، طاهره. «مفهوم «برتر از هستی» و فقدان «ارتباط» در اندیشه فلوپتین»، در *پژوهشنامه ادیان*، ش ۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، ص ۹۱-۱۱۶.

مورتگات، آنتون. هنر بین‌النهرین باستان و هنر کلاسیک خاور دور، ترجمه زهرا باستی و محمدرحیم صراف، تهران: سمت، ۱۳۷۷.

مهدی‌زاده، رضا. «مفهوم عملکرد فضا در طراحی صحنه با تأکید بر شیوه کنشگر»، در *تئاتر*، ش ۶۰ (بهار ۱۳۹۴)، ص ۱۲-۲۴.

نش، کیت. *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر، ۱۳۸۰.

in the Cities of China", in *Journal of Urban and Regional Research*, No.2 (June 2007), pp. 257-279.

Friedman, Michael. "Newton and Kant on Absolute Space", in A. Janiak & E. Schliesser, *Interpreting Newton: Critical Essays*, Cambridge: Cambridge University Press 2012, pp. 342-359, doi:10.1017/CBO9780511994845.018.

Galli Bibiena, Ferdinando. *L'architettura Civile Preparata su la Geometria e Ridotta alle Prospettive*, Parma: Per Paolo Monti. 1711.

Gramsci, Antonio. *Selections from the Prison Notebooks*, London: ElecBook, 1999.

Harvey, David W. "From Managerialism to Entrepreneurialism: The Transformation in Urban Governacance in Late Capitalism", in *Journal of Geografiska Annaler: Series B, Human Geography*, No. 1 (1989), pp. 3-17, Published online: 08 Aug 2017. <https://doi.org/10.1080/04353684.1989.11879583>.

Heidegger, Martin. *Being and Time: A Translation of Sein und Zeit*, Trans. Joan Stambaugh, New York: SUNY Press, 1996.

E. Relph, «آچه باید باشد» (ibid, p. 56).

۱۱۳. در شکل‌گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: در مرحله نخست فرد محیط را شناسایی می‌کند که «هویت مکان» نامیده می‌شود. در مرحله دوم فرایند پیوند روانی با مکان صورت می‌گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد (نک: H.M. Proshansky, et al, "Place-identity: Physical World Socialization of the Self").

۱۱۴. فضا و مکان هم‌زمان از جوانب گوناگونی تولید می‌شوند: نژاد و طبقه، شهری و حومه‌ای، جنسیت، عمومی و خصوصی، بدن‌ها و بناها. ۱۱۵. هاروی چگونگی تجربه انسان و تولید فضا و مکان برآمده از آن را در سه بعد فضا- زمان مطلق، نسبی، و رابطه‌ای می‌داند (D.W. Harvey, "From Managerialism to Entrepreneurialism").

۱۱۶. هاروی معنای فضایی را مولود خاطره و وابستگی‌هایی برمی‌شمارد که از طریق روابط به وجود می‌آید (ibid). 117. continuity of place

۱۱۸. محرک‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و روان‌شناختی مکان انسانی را شکل می‌دهند. فضا و مکان ثابت یا ذاتی نیستند، اما در عوض توسط کنش‌ها و معانی مردم آفریده و بازآفریده می‌شوند. ۱۱۹. رشد اجتماعی فرایندی است که از طریق آن فرد آگاهی‌ها، ارزش‌ها، برقراری روابط اجتماعی، و مهارت‌های اجتماعی را کسب می‌کند و یاد می‌گیرد و این اکتسابات او را قادر می‌کند تا با جامعه به

Institute d'Estudis Autònoms, 2013.

Nishimura, M., et al. "Development of Object Recognition in Humans", in *Journal of F1000 Bio Rep*, No. 56 (27 Jul 2009), Published online 2009, doi:10.3410/B1-56.

Pagliano, Alessandra. "Architecture and Perspective in the Illusory Spaces of Ferdinando Galli Bibiena", in *Journal of Nexus Network*, Vol. 18 (December 2016), pp. 697-721, Published Online 30 March 2016 <https://doi.org/10.1007/s00004-016-0295-7>.

Pereira, A.F. & L.B. Smith. "Developmental Changes in Visual Object Recognition between 18 and 24 Months of Age", in *Journal of Developmental Science*, No.1 (Jan 2009), pp 67-80, doi:10.1111/j.1467-7687.2008.00747.x.

Plato. *Timaeus and Critias*, Cambridge: Harmondsworth, 1965.

Proshansky, H.M. & A.K. Fabian & R. Kaminoff. "Place-identity: Physical World Socialization of the Self", in *Journal of Environmental Psychology*, No.3 (March-December 1983), pp. 57-83, [http://dx.doi.org/10.1016/S0272-4944\(83\)80021-8](http://dx.doi.org/10.1016/S0272-4944(83)80021-8)

Relph, Edward. *Place and Placelessness*, London: Pion, 1976.

Sassen, Saskia. *The Global City :New York, London, Tokyo*, New Jersey: Princeton University Press, 2001.

Stokols, Daniel & I. Altman. *Handbook of Environmental Psychology*, New York: John Wiley & Sons, 1987.

→ وحدت برسد یا به نحوی انطباق‌یافته رفتار کند (هدایت‌الله ستوده، *روان‌شناسی اجتماعی*، ص ۶۳ و ۶۴).
۱۲۰. هویت مکانی زیرساختی شناختی دارد، به گونه‌ای که فرایندهای شناختی دخیل در شکل‌گیری هویت مکانی، مشابه فرایندهای است که اساس شکل‌گیری ساختارهای شناختی دلبستگی به مکان هستند (پیربابایی و همکاران، «بررسی فرایند دلبستگی به مکان در مطالعات شهری» ←

Kaal, Harm. "A Conceptual History of Livability City", in *Journal of Taylor & Francis*, No. 5(October 2011), pp. 532-547, doi: 10.1080/13604813.2011.595094.

Laberge, Y. "Review: Theories of Sustainable Development", in *Electronic Green Journal*, No.38 (2015). Retrieved from <https://escholarship.org/uc/item/6mz2n6dg>

Larson, Gregory S. & Amy R. Pearson. "Placing Identity: Place as a Discursive Resource for Occupational Identity Work among High-Tech Entrepreneurs", in *Management Communication Quarterly*, No. 26 (April 2012), pp. 241-266.

Laura, Rascaroli. "The Space of a Return, A Topographic Study of Alain Resnais' Providence", in *Journal of Studies in French Cinema*, Vol. 2 (2002), pp. 50-58, Published online: 03 Jan 2014. doi: 10.1386/sfci.2.1.50.

Lawson, Bryan. *The Language of Space*, London: Butterworth-Heinemann, 2001.

Lin, Martin. "Substance, Attribute, and Mode in Spinoza", in *Philosophy Compass*, No. 2 (2006), pp.144-153, <https://doi.org/10.1111/j.1747-9991.2006.00015.x>

Merleau-ponty, M. *Phenomenology of Perception*, Trans. Colin Smith, London: Routledge & Kegan Paul, 1970.

Minkowski, Hermann. *Space and Time Minkowski's Papers on Relativity*, ed: Petkov, V. Moscu: Minkowski Institute Press. 2012. <http://rgs.vniims.ru/books/spacetime.pdf>.

Nagel, Klaus-Jürgen. *The Problem of the Capital City New Research on Federal Capitals and their Territory*, Barcelona:

۱۲۶. ستا لو با مطالعه اقتصاد سیاسی تولید فضا، همچنین ساخت معنای اجتماعی- فرهنگی و شخصی آن، پیچیدگی اجتماعی تعامل‌های مردم و محیط ساخته‌شده را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه واقعیات روزمره از مناظر تاریخی، فرامحلی، و شخصی به اجرا درمی‌آیند (ستا لو و دیگران. *نگرشی نو بر تنوع فرهنگی در فضاهای عمومی با تأکید بر پارک‌های شهری*).
۱۲۷. عدم ارتقا یا ارتقای ناکافی معنا در گذر زمان به کاهش اثرگذاری آن می‌انجامد.
اتفاق می‌افتد که یک رویداد به صورتی که در گذشته تجربه شده، شناسایی می‌گردد (همان، ص ۵۲).
۱۲۴. از نظر کانونی حافظه ویژگی‌های فردی، خاطرات افراد از مکان‌ها، و در نتیجه دلبستگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Conway, et al, "Image & Goals").
۱۲۵. نیاز انسان به تعامل عاطفی، شناختی، و رفتاری با مکانی که در آن زندگی می‌کند یا به بیان دیگر «دلبستگی به مکان» از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است.

→ با رویکرد روان‌شناسی شناختی»، ص ۴۸).

۱۲۱. تاریخ، فرهنگ، و زندگی روزمره ما هم‌زمان در خانه و مسکن به هم گره خورده‌اند. خانه علاوه بر جنبه‌های مادی (رفع نیاز به ادامه حیات)، «جنبه نمادی» هم دارد.
۱۲۲. درک خانه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی، و زیباشناسانه خانه یا همان «فرهنگ خانه» امکان‌پذیر است.
۱۲۳. بازخوانی (بازشناسی) زمانی

۱۸۷. علی قربانی سسینی و ابراهیم رضایی، «ضرورت طرح زیست جهان در پدیدارشناسی هوسرل»، ص ۱۸۶. 188. dwelling
۱۸۹. فضا‌هستی گوهرین خودرا از مکان به دست می‌آورد و نه از فضا (همان).
۱۹۰. فیلسوف پدیدارشناس فرانسوی که با ترکیب استادانه عناصری از ایدئالیسم استعالی کانت، ایدئالیسم عینی هگل، پدیدارشناسی هوسرل، و اندیشه وجودی هایدگر توانست به فهم کم‌وبیش متفاوتی از مکان در پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی خویش دست یابد (محمد شکر، «مکان در پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی مرلوپونتی»، ص ۱۰۶).
۱۹۱. همان، ص ۱۱۹.
۱۹۲. همان، ص ۱۱۰.
193. Facticity
۱۹۴. همان.
195. Lived Space
۱۹۶. همانند هایدگر، در عالم بودن را ویژگی بنیادین و سلب نشدنی از انسان می‌داند (همان، ص ۱۰۶).
۱۹۷. آنگاه که تن به باور ادراکی ویژه‌ای درباره پدیده‌ای خاص دست می‌یابد، حقیقتی به نام مکان فعلیت می‌یابد (همان، ص ۱۱۹).
۱۹۸. همان، ص ۱۱۴.
199. Christian Norberg-Schulz (1926–2000)
۲۰۰. شناسایی به معنای احساس دوستی با محیط است که به احساس تعلق خاطر درونی و وابستگی روحی تبدیل می‌شود.
۲۰۱. هادی محمودی‌نژاد و همکاران، «پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای مفهوم فضا به مکان شهری»، ص ۲۹۱–۲۹۴.

→ شدن توسط حواس است) ۱۶۳. محمدمهدی حکمت‌مهر، «بررسی و نقد دوگانه انگاری دکارتی»، ص ۱۸۳–۱۹۱.
164. substantive
۱۶۵. نیوتن همه عالم را ماشینی می‌بیند که با قوانین مکانیکی حرکت قابل تبیین است (نک: نیوتن، همان).
۱۶۶. لاینیتس در باب زمان و مکان ابتدا به مطلق بودن آن قائل بود، سپس نظر خود را تغییر داد. در نظر واقعی و نهایی وی زمان و مکان نسبی و ذهنی هستند. در اندیشه وی زمان و مکان به لحاظ هستی‌شناسی وجود دارند و وجود آن‌ها نسبی است و به لحاظ شناخت‌شناسی این مفاهیم منطبق بر پدیدارها و ناظر به پدیدارها و اشیای خارجی‌اند. از جنبه روان‌شناسی این مفاهیم از طریق مشاهده روابط و نسبت پدیدارهای عینی در ذهن شکل گرفته‌اند و زمان و مکان از آن پدیدارها هستند نه منادها یا جواهر بسیط (نک: صافیان و امینی، همان، ص ۳۷–۴۰).
167. The Location of Places
۱۶۸. هال و همکاران، همان، ص ۱۷۱.
169. Ferdinando Galli Bibiena or Ferdinando Galli-Bibiena (1657-1743)
۱۷۰. نک: رضا مهدی‌زاده، «مفهوم عملکرد فضا در طراحی صحنه با تأکید بر شیوه کنشگر».
171. A. Pagliano, "Architecture and Perspective in the Illusory Spaces of Ferdinando Galli Bibiena" p. 700.
۱۷۲. هال و همکاران، همان.
173. George Berkeley (1685-1753)
۱۷۴. جمله مشهور بارکلی «Esse est percipi» (ترجمه تقریبی: شرط وجود، درک ←

۱۴۰. نظریه وضعیت‌هایی در فضا ۱۴۱. نک: تیتوس لوکرتیوس کاروس، درباره طبیعت.
۱۴۲. بابایی، همان، ص ۲۳۶–۲۴۲.
۱۴۳. محسن گلپایگانی و عارفه گودرزوند، «تصلیب و مرگ عیسی از نگاه مفسران اسلامی»، ص ۷۵
144. Plotinus (203-270)
۱۴۵. طاهره مسگر هروی، «مفهوم "برتر از هستی" و فقدان "ارتباط" در اندیشه فلوپین»، ص ۱۱۳.
146. Saint Augustinus
معتبرترین و بزرگ‌ترین آبی کلیسا
147. De Civitate Dei
۱۴۸. نک: محمد ایلخانی، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس.
149. location
150. Galileo Galilei (1564-1642)
151. coordinate system
152. René Descartes (1596-1650)
۱۵۳. در همین زمان اسپینوزای فرانسوی هم بر مکان داشتن ماده تأکید کرده است (Martin Lin, "Substance, Attribute, and Mode in Spinoza", pp. 144-146).
۱۵۴. از نظر دکارت فضا و ماده همذات هستند (هال و همکاران، همان، ص ۱۷۰).
۱۵۵. دیدگاه افلاطونی
۱۵۶. بی آر هرگنهان و متیو اچ السون، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ص ۶۶.
157. Empty Space
158. M. Friedman, *Newton and Kant on Absolute Space*, p. 39.
۱۵۹. هال و همکاران، همان، ص ۱۷۱.
160. extension
161. Corporeal Substance

۱۲۸. دل‌بستگی به مکان ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معنای عاطفی و حسی مشترک فرهنگی توسط افراد به مکان خاص یا یک سرزمین شکل می‌گیرد و مبنای نحوه ادراک گروه یا فرد از مکان و نحوه ارتباط وی با آن است.
۱۲۹. راپاپورت سه سطح معنی بالا و میانه و متوسط را از یکدیگر تمیز می‌دهد (نک: راپاپورت، همان).
۱۳۰. تصویری از تعامل عناصر طبیعی در فضای ذهن انسان
۱۳۱. این واژه که به لحاظ شناخت‌شناسی با واژه هند-اروپایی «chaso» ارتباط دارد، به صورت ضمنی بر عنوان شکاف و فاصله و یک منفذ ازلی دلالت دارد و یک جوهره اصلی ایجاد می‌کند.
۱۳۲. بابایی، همان، ص ۲۱.
۱۳۳. شناور بودن زمین در آب (طالس)، معلق بودن زمین در فضا (آناکسیماندروس)، معلق بودن در هوا (آناکسیمنس)
۱۳۴. ابراهیم زارعی، آشنایی با معماری جهان، ص ۲۶۵.
۱۳۵. افلاطون واژه کورا (chora) را به معنایی قریب به مکان و به بیان دقیق‌تر محیطی که در آن صور تحقق می‌یابند، تعبیر کرده است؛ مکانی هم فراگیرنده و پذیرنده و هم مغذی و مادرانه. کورای افلاطون جایگاه و ظرفی برای شکل‌گیری جهان است (استیون هال و همکاران، پرسش‌های ادراک: پدیدارشناسی معماری، ص ۱۵۹).
۱۳۶. «کورا» مکانی کیهانی و فضایی انتزاعی و ماده اصلی دست‌سازهای انسان است (هال و همکاران، همان، ص ۱۶۱).
۱۳۷. هال و همکاران، همان، ص ۱۶۰.
۱۳۸. رابرت وودفین و جودی گراوز، *ارسطو*، ص ۳۸.
۱۳۹. درحالی‌که برای واژه مکان اصطلاح topos به کار برد.

۲۰۲. نک:

E. Relph, *Place and Placelessness*.

۲۰۳. مداخله نیروهای یادشده موجب دگرگونی مکان می‌شود.

۲۰۴. نک:

D. Stokols & I. Altman, *Handbook of Environmental Psychology*.

205. Neo-Globalism

۲۰۶. نک:

Saskia Sassen, *The Global City: New York, London, Tokyo*.
207. J. Friedman, "Place and Place-making in the Cities of China", p. 257.

۲۰۸. نخستین بار اصطلاح اقتصاد سیاسی از سوی پیروان مکتب مکزانتیلیسم (سوداگری) بیان گردید و سپس مورد نظر علمای کلاسیک اقتصاد نظیر ویلیام پتی، فرانسوا کنه، آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، و ژان باتیست سی قرار گرفت (فریدون تفضلی، *تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر*).

209. entrepreneurialism
۲۱۰. نک: Harvey, *ibid*.

۲۱۱. کیت نش، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ص ۹۰.

۲۱۲. آنتونی گیدنز، *پیامدهای مدرنیته*، ص ۲۶.

۲۱۳. استیون سیدمن، *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*، ص ۱۹۲.

۲۱۴. متیو کرمونسا و همکاران، *مکان‌های عمومی، فضا‌های شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری*.

215. Cresswell, *ibid*, p. 170.

۲۱۶. هلن گاردنر، *هنر درگذر زمان*، ص ۳۰-۳۸.

۲۱۷. در دوره نوسنگی بشر از طبیعت جدا شد و دست به ساختمان و تغییر محیط طبیعی خود زد.

۲۱۸. انسان در مقابل طبیعت معنا می‌یابد (مریم محمدی، «بررسی فرم شهر از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای»، ص ۱۷۰).
۲۱۹. گاردنر، همان، ص ۴۰ و ۴۱.
۲۲۰. نک: روث وایت‌هاوس، *نخستین شهرها*.

۲۲۱. نک: آنتون مورگات، *هنر بین‌النهرین باستان و هنر کلاسیک خاور دور*.

222. Uruk, Iraq (Sumer)

223. Tell Brak, Syria

224. Karnak, Egypt

225. Edfu, Egypt

۲۲۶. گاردنر، همان، ص ۸۹.
۲۲۷. اعلام نظریه مرکزیت خورشید توسط کوپرنیک

۲۲۸. بهره‌گیری از پرسپکتیو و احیای هنرهای کلاسیک یونان و روم در پیکرسازی و معماری توسط میکل آنژ، بوناروتی، آنتونیو بالادیو، و لئوناردو داوینچی

۲۲۹. اختراع دستگاه چاپ و انتشار آثار کلامی و مطالعات زبان‌شناسی و اجتماعی و هنری رزشلن آلمانی و تألیفات اراسلم هلندی، نقد هنر و آثار معماری در نوشته‌های جورج وازاری و مجموعه ده جلد کتاب معماری لئون باتیستا البرتی.

۲۳۰. طراحی طبق قواعد هندسه، ریاضی، و حفظ توازن متقارن
۲۳۱. شورش علیه قاعده‌مندی در اواخر سده هفدهم از انگلستان و با رد طرح هندسی و باقاعده باغ ورسای— بازگشت به نگاه طبیعی (تصادفی) و عادی گوتیک.

۲۳۲. کتاب‌های اندیشه‌هایی درباره تقلید از هنر یونانی (۱۷۵۵) و تاریخ هنر باستانی (۱۷۶۳) هر دو از آثار یوهان وینکلمان.

۲۳۳. تئوری کوانتوم و نظریه نسبیت در اواخر سده بیستم
۲۳۴. اصل عدم قطعیت و دنیای کوانتوم

۲۳۵. نظریه «خانه: ماشینی برای زندگی» لوکوربوزیه
۲۳۶. هرمنوتیک
۲۳۷. نک:

Klaus-Jürgen Nagel, *The Problem of the Capital City New Research on Federal Capitals and their Territory*.

۲۳۸. این احساس از توانایی انسان در آشنایی با فضا (به کمک علم فیزیک)، کنترل برخی دگرگونی‌های محیط (علوم زمین و جغرافیا)، اختراع وسایل حمل‌ونقل پیشرفته (هواپیما، کشتی و حتی اتومبیل)، و غیره به وجود آمد.

۲۳۹. خروج از دنیای ذهنی و بازگشت به دنیای عینی

۲۴۰. اشاره به اصطلاح فوردیسم آنتونیو گرامشی است که مستلزم مداخله دولت در اقتصاد و ایفای نقش فعال از جانب بانک‌ها در میانجیگری بین متقاضیان سرمایه (کارفرمایان و خریداران منازل مسکونی، یا وسایل مصرفی—با دوام نظیر اتومبیل) و عرضه‌کنندگان سرمایه (صاحبان سپرده‌های بانکی و نظام اعتباراتی بانکی) بود که انباشت سرمایه با اتکا بر مصرف توده‌ای در بازارهای داخلی (ملی) کشورها را پیشرفته —>

—> صنعتی و دولت رفاه را به همراه آورد. از اهم نتایج آن می‌توان به نرخ رشد میانگین ۵ درصدی برای ۱۶ کشور صنعتی و نیز رونق طولانی به مدت تقریباً سه دهه با خصالتی فراگیر (مشمول بر همه کشورهای صنعتی) اشاره کرد (نک: Antonio Gramsci, *Selections from the Prison Notebooks*, pp. 558-620).

۲۴۱. اشاره به دوران رواج مدرنیسم (ناصر فکوهی، *انسان‌شناسی شهری*، ص ۹۵-۹۶).

242. Specialization
تخصص‌باوری یکی از جنبه‌های مدل تطور فرهنگی چایلد Vere Gordon Childe, *The Prehistory of European Society*, pp. 162-173 است.
۲۴۳. نک:

Relph, *ibid*.

244. cyber space

245. place making

۲۴۶. موضوع توسعه پایدار در کنفرانس سازمان ملل متحد (UNCED-92) در شهر ریودوژانیرو (با عنوان اجلاس زمین) به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت.

247. none place

248. master plan

249. popular place

۲۵۰. نک: کلر کوپر مارکوس و کارولین فرانسس، *مکان‌های مردمی—راهنمای طراحی فضا‌های باز عمومی*.

251. Epistemology

252. Effective Forces

۲۵۳. همسویی دگرگونی مکان و تجربه انسان در گذر زمان

254. The Betweenness of Place

255. J. Nicholas Entrikin, "Place and Region 3", pp. 263-268.

۲۵۶. بسیاری از مترجمان ایرانی برابرهای فارسی موجود برای practice (کردار، کنش، عمل، و جز آن) را نارسا یا اشتباه می‌دانند. ترجیح داده شد برای پرهیز از سوءتفاهم، خود واژه پرکتیس به کار برده شود.

257. Social Practice

258. N. Blomley, "The Territorialization of Property in Land: Space, Power and Practice".

۲۵۹. همسویی دگرگونی مکان و شکل‌گیری شهرهای جدید در گذر زمان

۲۶۰. همسویی ادراک مکان از تجربه تا فهم عقلانی در گذر زمان

۲۶۱. همسویی تکامل شناختی انسان و جستجوی مکان نو در گذر زمان

۲۶۲. همسویی تجربه تکرارپذیر اما ارتقایافته انسان‌ها در گذر زمان

۲۶۳. همسویی تکامل مکان با تکامل نیازهای انسانی در گذر زمان